

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴿۱﴾

سلام های قرآنی

۴

شرح و تفسیر آیات و ترجمه به نظم

سرشناسه : زارع پور، محمود، ۱۳۳۶

طرح جلد : بهار حیدری آرام (نوهی عزیزم)

شمارگان : ۵۰۰۰

قیمت : ۵۰.۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: سوم ۱۴۰۱

لطفا پیام ارسال نمایید

آدرس نویسنده : <http://m5736z.blog.ir>

<http://zarepoorketab.blog.ir>

آدرس کتاب های منتشر شده:

سلام محمدی

فهرست

مقدمه مؤلف

۱. سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَحِيمٍ
۲. سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ
۳. سلام بر آل یاسین (الیاس)
۴. سلام بر پیامبران علیهم السلام
۵. سلام بر ابراهیم علیه السلام
۶. سلام بر موسی و هارون عليهما السلام
۷. سلام طولانی تا فجر
۸. سلام همراه خوش آمدی
۹. سلام خالص و تنها
۱۰. سلام اصحاب یمین
۱۱. سلام همراه تحیت بهشتیان
۱۲. سلام به خاطر صبر داشتن
۱۳. سلام به خاطر استقامت
۱۴. سلام هنگام ورود به بهشت
۱۵. بهشتیان اهل صفا و صمیمیت و سلام اند
۱۶. سلام پاداش
۱۷. سلام هنگام ملاقات خدا
۱۸. سلام بر بهشتیان
۱۹. سلام خداحافظی با مشرکان
۲۰. سلام اعراف بر بهشتیان
۲۱. سلام خدا و فرشتگان بر پیامبر
۲۲. رحمت سلام همراه نزول گوساله بریان
۲۳. سلام به جای برخورد
۲۴. سلام (وداع) با جاهلان
۲۵. سلام خدا بر نوح علیه السلام
۲۶. سلام و اجازه ی ورود
۲۷. سلام به هنگام ورود به خانه
۲۸. سلام به مومنان
۲۹. سلام ابراهیم به آزر
۳۰. راه های امن سلام و سلامت
۳۱. سلام بر سه روز مهم
۳۲. سلام بر هدایت شدگان
۳۳. سلام بر بندگان برگزیده
- ۳۴ و ۳۵. دارُ السَّلام
۳۶. سلام به جاهلان

سلام هابی که در قرآن اشاره شده است

مقدمه مؤلف

سلام به معنای سلامتی است و همچنین پیراستگی از آفات ظاهری و باطنی .
(سلام) به معنای سلامت است و اینکه مردم می گویند: (السَّلَامُ عَلَیْكُمْ)
معنایش این است: از جانب خداوند متعال، سلامت بر شما ارزانی باد. به
عبارت دیگر ما با سلام از خدا درخواست می کنیم تا فرد سلام شونده را از هر
گونه عیب و نقص حفظ کرده و به سلامت بدارد.

کلمه (سلام) تحیتی است که گسترش صلح و سلامت و امنیت در بین دو نفر
که به هم برمی خورند را اعلام می دارد، البته صلح و امنیتی که نسبت به دو
طرف مساوی و برابر است و چون تحیت های جاهلیت قدیم و جدید
علامت تذلل و خواری زیر دست نسبت به ما فوق نیست

و اگر در روایات فرمودند که کوچکترها به بزرگترها سلام کنند، یا عده کم به
عده زیاد یا یک نفر به چند نفر، منافاتی با این مساوات ندارد، بلکه خواسته
اند با این دستور خود حقوق رعایت شده باشد و بفهمانند که حتی در سلام
کردن نیز حقوق را رعایت کنید .

آری اسلام هرگز حاضر نیست به امت خود دستوری دهد که لازمه اش لغو
شدن حقوق و بی اعتبار شدن فضایل و مزایا باشد، بلکه به کسانی که فضیلتی
را ندارند، دستور می دهد فضیلت صاحبان فضل را رعایت نموده، حق هر
صاحب حقی را بدهند، بله به صاحب فضل اجازه نمی دهد که به فضل خود
عجب بورزد.

و به خاطر اینکه (مثلا پدر و یا مادر است و یا عالم و معلم است و یا سن و
سال بیشتری دارد نسبت به فرزندان و مریدان و شاگردان و کوچکتران تکبر

ورزیده، خود را طلبکار احترام آنان بدانند و بدون جهت به مردم ستم کند و با این رفتار خود توازن بین اطراف مجتمع را بر هم زند.

آیاتی که در آنها واژه سلام به کار برده شده را با توجه به کاربرد و محل استفاده آن‌ها می‌توان به قسمت‌های زیر تقسیم کرد:

الف : در دنیا

۱. در هنگام مواجهه افراد با یکدیگر
۲. در هنگام ورود به خانه و محفل دیگران
۳. در برخورد پیامبر با مسلمانان خطاکار
۴. در برخورد با جاهلین و لغوگویان
۵. هنگام فرود کشتی نوح پس از نزول عذاب

ب : در آخرت

۱. تحیت و درود خدا به اهل ایمان و عمل صالح در روز قیامت
 ۲. در هنگام ورود بهشتیان از جانب فرشتگان و مقرّبین
 ۳. در بهشت جز سلام چیزی نیست. بهشت دارالسلام است
- الف : در هنگام قبض روح از جانب فرشتگان و اصحاب یمین

ب : راه‌های سالم و سلامت بخش

ج : سلام مستمر خدا بر بندگان برگزیده و مرسلین و پیروان هدایت الهی

د : سلام عمومی خدا در شب مبارک قدر

در این کتاب سعی شده آیاتی که سلام در آن بیان شده، نکات و پیام‌های آیه را نیز با تفاسیر قرآن مورد توجه قرار دهد. محمود زارع پور

سلام هایی که در قرآن آمده است "هفت سین قرآنی"



۱- سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ (یس ۵۸) از جانب پروردگاری مهربان سلام است.

بر آنان رسانند پیک و سلام ز رحمان خداوند والامقام

۲- سَلَامٌ عَلَيَّ نُوحٍ فِي الْعَالَمِيْنَ (صافات ۷۹) درود بر نوح در میان جهانیان

تحت بر نوح بین اهل جهان چنین است پاداش بر محسنان

۳- سَلَامٌ عَلَيَّ اِبْرَاهِيْمَ (صافات ۱۰۹) درود بر ابراهیم

سلام و تحت ز رب جلیل بسی باد بر ابراهیم خلیل

۴- سَلَامٌ عَلَيَّ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ (صافات ۱۲۰) درود بر موسی و هارون

سلام و تحت ز رب جهان به موسی و هارون بود هر زمان

۵- سَلَامٌ عَلَيَّ اِلٰى يٰسَبِيْنَ (صافات ۱۳۰) درود بر الیاس نبی

بسی باد بر آل یاسین سلام سلام خداوند والامقام

۶- سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ (زمر ۷۳) سلام بر شما، خوش آمدید،
در آن درآیید و جاودانه بمانید

گشادست درهای جنت تمام بگویند بادا شما را سلام
که عیش ابد شد نصیب شما بیابید جاوید در آن بقا

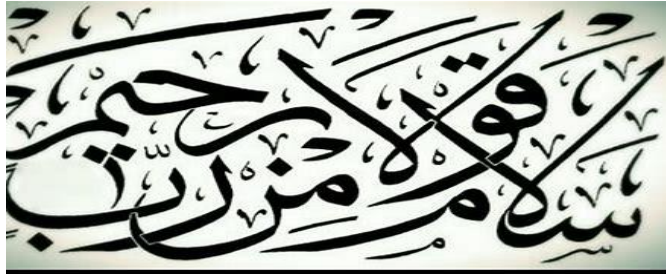
۷- سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ (قدر ۵) آن شب تا دم صبح، صلح و سلام است
بود تا سحر ذکر حق و سجود که این شب، شب رحمت است و درود

علامه مجلسی : (آسمان هفت طبقه و زمین هفت طبقه است و هفت ملک یا فرشته موکل بر آنند و اگر موقع تحویل سال، هفت آیه از قرآن مجید را که با حرف سین شروع می شود بخوانند آنان را از آفات زمینی و آسمانی محفوظ می دارند.)

خداوند به انبیا سلام می کند : البته درباره ی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) هم خدا و هم فرشتگان صلوات می فرستند و هم به مؤمنان دستور صلوات و سلام می دهد: « إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا ». (سوره ی احزاب)

مِقَاتُكُمْ وَاللَّاحِقَاتُ
مِنْكُمْ وَالْحَوْلُ وَالْحَوْلُ
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
حَوْلُ حَالِكُمْ
رَبِّكُمْ
رَبِّكُمْ

خداوند مهربان سلام می‌رساند



۱- سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَحِيمٍ (یس ۵۸) بر آن‌ها سلام و درود الهی است؛ این سخنی است از سوی پروردگاری مهربان! سلام یکی از نام‌های خداست. یعنی از جانب او به اهل مملکتش آسیبی نمی‌رسد. هرچه می‌رسد رحمت است. این که از جانب سلطان به تو آسیبی نمی‌رسد؛ این که اصلاً خود او، سلام است، دلت آرام می‌شود. می‌خندی. حال خدا را می‌پرسی. با او رفیق می‌شوی. یا رَفِیقَ مَنْ لَا رَفِیقَ لَهُ

سلام یعنی از من به تو، به سلامتت، آسیبی نمی‌رسد. (اصلاً یکی از نام‌های خدا سلام است) (الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ) (سوره حشر). وقتی می‌بینی کسی از دور دارد می‌آید، وقتی سایه کسی را از پشت دیوار می‌بینی، وقتی صدای پای ناشناسی را از پشت سرت می‌شنوی، دلت شور می‌زند. هی آشوب می‌شود. اما وقتی نزدیک آمد و گفت "سلام" دلت آرام می‌شود. تو هم می‌گویی سلام. می‌خندی. حالش را می‌پرسی. رفیقش می‌شوی. در بهشت از هر سو سلام است؛ خداوند به آنان سلام

می‌کند: «سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَحِيمٍ» فرشتگان سلام می‌کنند: «وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» اهل بهشت نیز به یکدیگر سلام می‌کنند. «تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ». در بهشت رضا و سلامی با عظمت از خدا دریافت می‌شود دریافت سلام الهی، آرزو و خواسته بهشتیان است.

سلام بر نوح علیه السلام



۲- سلامٌ علی نوحٍ فی العالمین (صافات ۷۹) سلام و درود (خدا) بر نوح در میان جهانیان (جهان فرشتگان و انسان ها و اجنه) و باید درود گفته شود بر او در میان اهل جهان.

حضرت نوح (علیه السلام) اولین پیغمبر اولوالعزم است. مطابق با آنچه در قرآن آمده نوح اولین پیامبری است که خداوند او را با کتاب و شریعت فرستاده است. بنابراین، کتاب او اولین کتاب آسمانی است.

آن حضرت ۹۵۰ سال مشغول دعوت قوم خود بود اما قومش به او ایمان نیاورده و او را مورد استهزاء قرار داده به او نسبت جنون می دادند تا آن که در آخر از پروردگار خود یاری طلبید و خدا به او فرمان داد که به ساختن یکی کشتی مشغول شود و پس از اتمام، امر خدای تعالی مبنی بر نزول عذاب و طوفان سهمگین صادر شد حضرت نوح با عبارت «بسم الله» کشتی را به حرکت در آورد و به جز افرادی که همراه او سوار بر کشتی شدند، همگی هلاک شدند.

اگر (سَلَامٌ) مبتدا بشمار آید، جمله انشائی و برای دعا است و معنی چنین است: درود خدا تا قیامت بر نوح باد. «فِي الْعَالَمِينَ»: در میان همه جهانیان. مراد تا پایان عمر انسان ها و نهایت دنیا است. در قرآن، بارها درباره‌ی حضرت نوح که الگو و اسوه‌ی مقاومت است و تاریخ آن حضرت برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) سبب دلگرمی و آرامش بوده، سخن به میان آمده است.

این پیامبر الهی ویژگی‌هایی داشت از جمله:

(الف) اولین پیامبر اولوا العزم است که به عنوان شیخ الانبیا نامیده شده است.

(ب) تنها پیامبری است که مدّت رسالتش در قرآن مطرح شده است.

(ج) سلام خدا به نوح ویژگی خاصی دارد و عبارت (فِي الْعَالَمِينَ) به آن اضافه شده.

(د) پیامبری است که حتّی فرزند و همسرش با او مخالف بودند و به او ایمان نیاوردند

شاید مراد از ندای حضرت نوح در این آیه، همان آیه ۲۶ سوره‌ی مؤمنون باشد که

گفت: (رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَدَّبُون) خدایا در برابر تکذیب آنان مرا یاری کن.

خدا، (فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ) است، یعنی آنچه را به صلاح بنده باشد اجابت می‌کند،

نه آنچه را بنده معین کرده است

۱- خداوند نوح را در آب حفظ کرد و ابراهیم را در آتش (نَجَّيْنَاهُ) (آب و آتش در

برابر اراده‌ی خدا چیزی نیستند).

۲- نسبت و قومیت همه جا سبب اهل بودن نیست. این آیه می‌فرماید: ما اهل نوح

را نجات دادیم. در حالی که می‌دانیم خداوند فرزندش را غرق کرد.

بنابراین مراد از اهل، هم فکران و پیروان او هستند نه تنها بستگانش (أَهْلَهُ)

۳- انقراض یا بقای هر نسلی به دست خداست. (جَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمْ الْبَاقِينَ)

۴- اولیای خدا زنده‌اند و سلام‌ها را دریافت می‌کنند. (سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ)

۵- عامل بقای نام نیک در میان مردم و سلام از سوی خداوند، نیکوکاری است.

(نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ)

۶- سلام به انبیا و اولیای در گذشته، کار خدایی است. (سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ)

۷- نیکوکارانی به درجات الهی می‌رسند که کارشان برخاسته از ایمان باشد نه برای نام

و شهرت. (نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ)

۸- هنگام نزول عذاب در دنیا، تنها مؤمنان نجات می‌یابند و دیگران کیفر می‌شوند،

چه کافر باشد و چه بی‌تفاوت. آیه می‌فرماید: (أَغْرَقْنَا الْكَافِرِينَ) و نمی‌فرماید: (اغرقنا

الکافرین).

پیامبر خدا (صلي الله عليه و آله) فرمودند: **مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِ مَنْ، مَثَلُ كَشْفِ نُوْحٍ**

اِسْتِ كِه هِر كَس سِوَارِش شِد نِجَات يَافِت و هِر كَس كِه اَز آن بَاِزْمَانِد غِرْق

گِشْت.

و به سند معتبر از حضرت امام باقر (عليه السلام) منقول است که: در مسجد

کوفه هزار و هفتاد پیغمبر نماز کرده‌اند و در آن هست عصای موسی و انگشتر

سلیمان و از آن جوشید تنور نوح و کشتی نوح در آنجا تراشیده شد و آن بهترین

جاهای بابل است.

سلام بر آل یاسین (الیاس)



۳- سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ (صافات ۱۳۰) كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۱۳۱) إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (۱۳۲) سلام و درود بر الیاس. ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. همانا او از بندگان مؤمن ماست.

مراد از (إِلْیَاسِیْنَ) همان (الیاس) است که در چند آیه قبل همین سوره سخن درباره او بود و این دو کلمه نام یک فرد است، مانند (سینا) و (سینین) که نام یک سرزمین است. بهترین دلیل بر این مطلب آن است که

اولاً: در آیات بعد، ضمیر مفرد درباره او به کار می‌رود: (إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا)

و ثانیاً: تشابه و تکرار این آیات در مورد پیامبران قبلی یعنی حضرت نوح، ابراهیم، موسی و هارون، نشان می‌دهد که (الیاس) در (إِنَّ إِلْیَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ) می‌باشد.

روایاتی که (إِلْیَاسِیْنَ) را (آل یاسین) قرائت کرده و مراد از آن را خاندان پیامبر اسلام دانسته، اکثراً از اهل بیت علیهم السلام نیست و مورد اعتماد نمی‌باشد. یعنی با (آل یاسین) متفاوت می‌باشد.

پیام‌ها

- ۱- سلام کردن به پیامبران و اولیا و بزرگان را از خدا بیاموزیم (سَلَامٌ عَلٰی الْیَاسِیْنَ)
- ۲- لطف و عنایت نسبت به نیکوکاران، سنّت خداست و همواره جریان دارد (كَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِيْنَ)
- ۳- ملاک دریافت سلام از طرف خداوند، احسان همراه با ایمان و بندگی است. (سَلَامٌ عَلٰی ... الْمُحْسِنِيْنَ ... عِبَادِنَا)
- ۴- هر کس مانند الیاس از مبلّغان دینی باشد، از محسنان و دریافت کنندگان پادشاه‌های الهی می‌باشد. (إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِيْنَ ... سَلَامٌ عَلٰی الْیَاسِیْنَ ... الْمُحْسِنِيْنَ)

حضرت الیاس علیه السلام

از انبیای بنی اسرائیل است. وی از صالحین و از جمله پیامبران برتری یافته از سوی خدا بر تمام مردم عصر خویش می‌باشد. لغت الیاس یک لغت عبری است و بیشتر لغویان آن را همان «ایلیا»ی عبری به معنای «یّهوه خدای من است» به معنی «بزرگوار من خداست» دانسته‌اند.

الیاس علیه السلام از نوادگان هارون و از پیامبران بنی اسرائیل است. در کتاب مقدس درباره نبوت «ایلیا» و دعوت وی از پادشاهان و مردم به پرستش خداوند و ارتباطش با «الیسع» و حوادث دیگر، بسیار سخن گفته شده است. نام الیاس دوبار، و بنابر نظر کسانی که «الیاسین» را تعبیر دیگری از الیاس می‌دانند، سه بار در قرآن آمده است. (انعام/ ۶، ۸۵؛ صافات/ ۳۷، ۱۲۳، ۱۳۰)

سلام بر پیامبران علیهم السلام



۴. سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ...

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ... (صافات ۱۸۱)

بود بر رسولان ز پروردگار سلامی الهی و بس ماندگار

پاک و منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزیز، از آن چه درباره‌ی او (می‌پندارند و) توصیف می‌کنند. و سلام بر همه‌ی پیامبران و سپاس و ستایش برای خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

۱- تمام عزّت‌ها از آن خداست. (رَبِّ الْعِزَّةِ)

۲- نسبت‌های مشرکان به خدا و توصیف‌های آنان از او با مقام عزّت و ربوبیت خداوند سازگار نیست. (رَبِّ الْعِزَّةِ)

۳- خدا در اینجا به گونه جمع‌بندی بر همه پیغمبران درود فرستاده و جملگی ایشان را مورد لطف و مرحمت قرار داده است. (وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ)

۴- خداوند، سرچشمه تمام کمالات و زیبایی‌هاست. (الْحَمْدُ لِلَّهِ)

- ۵- تنها خداوند شایسته ستایش است. (الْحَمْدُ لِلَّهِ)
- ۶- خداوند مالک و مدبّر تمام هستی است. (رَبِّ الْعَالَمِينَ)
- ۷- تمام هستی به سوی کمال و رشد است. (رَبِّ الْعَالَمِينَ)
- ۸- جهان آفرینش، جلوه و مظهر ربوبیت خداوند و ربوبیت خداوند مقتضی حمد و ستایش است. (الْحَمْدُ لِلَّهِ...)

سلام بر پیامبر خوبی‌ها

- سلام بر پیامبر عشق و ایمان و احساس.
- سلام بر محبوب قلب‌های خسته.
- سلام بر مکمل پیامبران نسل بشر.
- سلام بر گل سرسبد گلستان خلقت.
- سلام بر پدر زهراى مرضیه (سلام الله علیها).
- سلام بر پسر عمّ علی - عالی - اعلی، امیرالمومنین (علیه السلام).
- سلام بر آخرین نور خدا، تابیده بر ظلمت انسان.
- سلام بر خلق و خوی زیبایت
- و سلام بر او که رحمة للعالمین بود، هست و خواهد بود.

سلام بر ابراهیم علیه السلام



۵- سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ (صافات ۹-۱۰) كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۱۱۰) إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا
الْمُؤْمِنِينَ (۱۱۱)

درود و سلام بر ابراهیم. ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم (که برای آنان مدح و ثنا به جا می‌گذاریم). همانا او از بندگان مؤمن ماست.

تمام مناسک حج، از طواف کعبه تا نمازی که پشت مقام ابراهیم خوانده می‌شود و پیدا شدن انبیایی از نسل او همه و همه نمونه‌هایی از یاد خیر او در تاریخ است.

۱- خداوند به انبیا سلام می‌کند. (سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ)، (سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ)،
(سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ)

۲- البتّه درباره‌ی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلّم) هم خدا و هم فرشتگان صلوات می‌فرستند و هم به مؤمنان دستور صلوات و سلام می‌دهد: (إِنَّ اللَّهَ وَ
مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ...)

۳- ابراهیم، الگو و نمونه نیکوکاران است. (نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ)

۴- ابراهیم دارای ذریه‌ای مبارک است. در دعا می‌خوانیم: خداوندا! همان گونه که به او برکت دادی بر محمد و آل محمد نیز برکت بده.

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿ابراهيم ۴۰﴾ پروردگارا مرا برپا دارنده نماز قرار ده و از فرزندان من نیز پروردگارا و دعای مرا بپذیر.

«حضرت ابراهیم» مشهور به «ابراهیم خلیل»، دومین پیامبر اولوالعزم است.

ابراهیم در بین النهرین به پیامبری مبعوث شد و نمرود حاکم زمان خود و مردم آن ناحیه را به آیین توحید دعوت کرد. عده کمی دعوت او را پذیرفتند و چون او از ایمان آوردن آن‌ها مأیوس شد، به فلسطین مهاجرت کرد. بر پایه آیات قرآن، قوم بت‌پرست ابراهیم، او را به جهت آنکه بت‌هایشان را شکسته بود، در آتش انداختند، اما آتش به فرمان خدا سرد شد و ابراهیم از آن سالم بیرون آمد.

از جمله آثاری که ابراهیم (علیه‌السلام) از خود به یادگار گذاشت، یکی دین توحید است زیرا از آن روز تا کنون هر فرد و جامعه‌ای که از این نعمت برخوردار شده، از برکت وجود آن جناب بوده است. امروز هم ادیانی که به ظاهر دین توحید خوانده می‌شوند از یادگارها و آثار وجودی او می‌باشند، یکی از آن ادیان دین یهود است که منتهی و منتسب به موسی بن عمران (علیه‌السلام) است و موسی بن عمران یکی از فرزندان ابراهیم (علیه‌السلام) شمرده می‌شود، برای این که نسب او به اسرائیل یعنی یعقوب بن اسحاق (علیه‌السلام) منتهی می‌گردد و اسحاق علیه‌السلام فرزند ابراهیم (علیه‌السلام) است.

سلام بر موسی و هارون علیهما السلام



۶- سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ (صافات ۱۲۰) إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۱۲۱) إِنَّهُمَا
مِنَ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (۱۲۲)

سلام بر موسی و هارون، ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم همانا آن دو از
بندگان مؤمن ما بودند.

در این سوره هر کجا فرمود: برای انبیا نام نیک باقی گذاشتیم، به سه عنصر اشاره
کرده

۱. احسان ۲. ایمان ۳. عبادت (إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّهُمَا مِن عِبَادِنَا
الْمُؤْمِنِينَ)

پیام‌ها

(۱) مردان خدا زنده‌اند و سلام‌ها را دریافت می‌کنند. (سَلَامٌ)

(۲) در احترام به دیگران، سلسله مراتب حفظ شود (اول سلام بر موسی بعد هارون)

۳) سلام بزرگ‌تر به کوچک‌تر مطلوب است (خدا به مخلوق خود سلام می‌کند)

۴) تبلیغ دین و تبیین معارف الهی، نوعی احسان است (... نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ)

۵) موسی و هارون، از الگوها و نمونه‌های نیکوکاران هستند.

۶) الطاف الهی به نیکوکاران، یک سنت و جریان است.

۷) تشویق افراد نیکوکار لازمه مدیریت و سنت الهی است.

۸) ایمان و احسان از یکدیگر جدا نیستند. (المُحْسِنِينَ - الْمُؤْمِنِينَ)

۹) راه دریافت الطاف الهی، ایمان به او و بندگی اوست

حضرت موسی در قرآن حضرت موسی (علیه السلام) سومین پیامبر اولوالعزم است که دارای شریعت مستقل و کتاب بود. او از نسل یعقوب و تبار بنی اسرائیل بود. نام او در قرآن، ۱۳۶ مرتبه آمده و فرازهای برجسته زندگانی و دعوت حضرت موسی در ۳۶ سوره قرآن و در قالب حدود ۴۲۰ آیه بیان شده است. داستان و زندگی حضرت موسی (علیه السلام) تولد در آن شرایط و بزرگ شدن حضرت و مبارزات ایشان و جالب اینکه آیات منجی در قرآن در مورد قصه و واقعیت های این پیامبر در قرآن اشاره شده و بیان گردیده. منجی در دوران و تاریخ گذشته پیامبرانی بودند که به ترتیب از طرف خداوند متعال برگزیده می شدند و وعده منجی بعدی را پیامبر قبلی در دستور کار خود داشت. تا به پیامبر خاتم (صلوات الله علیه و آله) رسیده و بعد از اكمال و اتمام دین به ائمه اطهار (علیهم السلام) واگذار گردید.

سلام طولانی، تا فجر



۷- سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ (قدر ۵) (آن شب) تا طلوع فجر، (سراسر) سلام و درود است.

(سَلَام) یکی از نام‌های خداست (هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَام) (سوره ی حشر) مراد از (سَلَامٌ) در این آیه، لطف و عنایت ویژه الهی نسبت به بندگان در شب قدر است که سلامت و رحمت و برکت را بدنبال دارد و باب نعمت و عذاب را می‌بندد، زیرا کید و وسوسه شیطان در آن شب مؤثر واقع نشود. در شب قدر، فرشتگان به زمین نازل می‌شوند و بر هر مرد و زنی که در حال عبادت باشند، سلام می‌کنند چنان که در قیامت نیز با گفتن سلام به استقبال بهشتیان می‌روند.

(۱) شب قدر، شب سلامت فکر و روح آدمی و تعالی به سوی خدا، سلام است

(۲) شب قدر، شب رحمت ست و می‌توان با توبه، الطاف خدا را به خود جلب میکند

(۳) تقدیر امور از سوی خدا بر اساس سعادت بشر است .

«سلام» مراد درود فرشتگان بر مؤمنان است که طلب آمرزش و رحمت برای ایشان است. سلامت یعنی طاعت و عبادت در آن، موجب سلامت و در امن و امان ماندن

مؤمنان از هر چیز است . شب قدر در مناطق مختلف، یکی است این مدت که تاریکی تمام نقاط زمین را به تدریج فرا می‌گیرد، شب کامل کره زمین و شب قدر آنست که با اختلاف چند ساعت زودتر و دیرتر، مهمان مردمان گوشه و کنار سراسر زمین می‌شود.

درباره چرایی سلام بودن این شب تا صبح، مفسران این نظرات را گفته‌اند: مردم از شرور و بلایا و آفات شیطان این شب تا صبح در امان‌اند. این شب تا صبح سالم است از اینکه شیطان بتواند در آن حادثه سوئی ایجاد کند. ملائکه که این شب تا صبح نزول می‌کنند به اولیاء الله و کسانی که اهل طاعت خدا هستند سلام می‌دهند. چون خدا در امشب همه خیرات و برکات را مقدر می‌کند، پس هر امری [که مقدر می‌شود] در امشب تا صبح سلام است. سلامتی و برکت امشب در کل شب است و فقط در یک لحظه خاصی از آن نیست.

در برخی احادیث تعبیر شده که «حتی مَطْلَعِ الْفَجْرِ» اشاره به «مَطْلَعِ فَجْرِ الْقَائِمِ ارواحنا فداه» یا «حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ عَجَلَ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ» است. کلمه «سلام» را می‌توان با آیه قبل معنی کرد، و این که «شب، تا طلوع فجر خواهد بود»؛ چون خبر می‌دهد که شب بودن دنیا [که همه حقایق و خوبی‌ها مخفی است و فساد و بدی و ظلمت است که میدان‌دار است] تا طلوع فجر قائم ادامه دارد. اگر کسی حقیقت شب قدر را درک کرد، دین و حقیقت فطرتش تا ظهور قائم از فتنه‌های آخرالزمان در سلامت خواهد ماند. اگر مقدرات سال ما در این شب رقم می‌خورد، چرا چنین چیزی ممکن نباشد؟

سلام همراه خوش آمدی

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طَبَقًا وَإِنَّا

۸- وَ سِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاؤُهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طَبَقًا وَإِنَّا خَالِدِينَ (زمر ۷۳)

بخواهند آورد سوی بهشت همه مردم صالح خوش سرشت

گشادست درهای جنت تمام بگویند بادا شما را سلام

که عیش ابد شد نصیب شما بیابید جاوید در آن بقا

در تفاسیر روایی داریم که زمانی که بهشتیان را به طرف بهشت می برند در بین راه صحنه هایی را می بینند که محو آن شده و قدم بر نمی دارند از جمله دیدار اولیاء خدا و پیامبران و معصومین (علیهم السلام) که در حال سخنرانی هستند و همچنان چشم دوخته و دوست دارند به مستمعین این سخنرانی ها بپیوندند . درآیه ی ۷۱ همین که دوزخیان به دوزخ می رسند درها باز می شود (جَاؤُهَا فَتِحَتْ) ولی در این آیه می فرماید: (وَ فَتِحَتْ) یعنی بهشتیان به بهشت می رسند در حالی که قبلاً درها برایشان باز شده است.

بهشت ۸ درب دارد و هر دری مخصوص گروهی است.

برای انبیا و صدیقان، برای شهدا و صالحان، ۵ درب برای شیعیان و یکی برای مسلمانان که کینه ندارند.

وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا : در حالی که درهای آن به رویشان باز است. حرف واو، حالیه است.

همین عبارت در آیه بدون واو است، چرا که جهنم به منزله زندان است و در زندان هنگامی گشوده می‌شود که زندانی یا زندانیانی را بدانجا برسانند.

ولی در این آیه حرف واو بیانگر جای خوب و باصفائی است که چون بزرگانی را بدان جا می‌برند که در پیش خدا ارجمندند، به احترام ایشان درها قبلاً باز شده و آماده تشریف فرمائی و ورود ایشان است.

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ : درودتان باد! در امن و امان هستید. طِبْتُمْ : در دنیا خوب بوده‌اید و به نیکی زیسته‌اید. خوش باشید و به خوشی زندگی کنید! تلاشتان نیکو بوده است و پاداشتان نیکو خواهد بود جاه و مکان خوب و خوشی دارید.

سؤال : با آنکه عمر و اعمال نیک و بد انسان در دنیا محدود است، چرا کیفر و پاداش قیامت نامحدود است که قرآن می‌فرماید : دوزخیان و بهشتیان جاودانه در آتش یا بهشت خواهند بود.

پاسخ : اولاً : جاودانگی در بهشت، از باب لطف خداوند است و منافاتی با عدل ندارد.

ثانیاً: جاودانگی در دوزخ برای همه دوزخیان نیست بلکه بسیاری از مجرمان پس از دیدن کیفر اعمالشان و پاک شدن از گناه، وارد بهشت می‌شوند.

ثالثاً: مدّت کیفر بستگی به میزان سبکی یا سنگینی جرم دارد، نه زمان انجام جرم. چه بسا کسی که در یک لحظه اقدام به قتل کسی کرده و حتّی موفق نشده، اما دادگاه برای او حبس ابد مقرر می‌کند.

آیا مجازات کبریت زدن به یک بشکه بنزین یا یک کشتی بنزین، یکسان است؟ آری، آن که تمام عمر نافرمانی خالق هستی و خدای بزرگ را کرده است، برای همیشه در عذاب خواهد بود. در هر دو پایه یعنی هم در مورد بهشتیان و جهنمیان آمده (سِيقَ الَّذِينَ) برده و کشیده می‌شوند.

ولی این کشیدن کجا و آن کشیدن کجا. بهشتیان محو «لقاء الله» اند و اولیاء الله هستند ولی دوزخیان از ترس و حیرت قدمی بر نمی‌دارند و برده می‌شوند.

(۱) راه ورود به بهشت، پاکی و پارسایی است. (سِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ)

(۲) بهشت نیز درهای متعدّدی دارد. (أَبْوَابُهَا)

(۳) (سَلَامٌ عَلَيْكُمْ) درود فرشتگان به بهشتیان است که در دنیا نیز این گونه سلام سفارش شده است.

(۴) شرط ورود به بهشت پاکی است که یا از اول بوده و یا در اثر توبه پیدا شده است. (طِبُّهُمْ فَأَدْخُلُوهَا)

سلام خالص، و چه سلامی



۹- لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَ لَا تَأْتِيَمًا . إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا (واقعه ۲۶)

به غیر از محبت به غیر از سلام در آنجا نباشد سخن یا کلام

در آنجا سخن بیهوده و نسبت گناه به دیگری را نمی شنوند. سخنی جز سلام و درود نیست.

لغو : سخن بی فایده و بیهوده . **تأثیم** : نسبت دادن گناه به دیگران. اگر انسان کمی فکر کند که چند روز بندگی خدا در دنیا، این همه رفاه و آسایش و کامیابی در قیامت را به دنبال دارد و با این حال حاضر شود همه این لذت‌های ابدی را به خاطر دنیای فانی از دست بدهد، کمال بی عقلی است.

تنها چیزی که بین آنان رد و بدل می شود سلام و تحیت نسبت به همدیگرست یعنی فقط ابراز سلم و صفا نسبت به همدیگر. تنها چیزی که در آنجا گفته می شود سلام بعد سلام است . تنها چیزی که در آنجا گفته می شود سخنانی است که سالم باشد

بهشتیان از چند سوی، درود و سلام دریافت می کنند :

(الف) از جانب اصحاب یمین (دوستان بهشتی) (وَ أَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ. فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ) اگر از اصحاب یمین باشد (به او می گویند) از طرف دوستان، بر تو سلام

(ب) از جانب اعرافیان (وَ عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَ نَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ) بر اعراف مردانی که همه را به چهره می شناسند و بهشتیان را ندا می دهند که سلام بر شما .

(ج) از جانب فرشتگان وَ الْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فرشتگان از هر سو بر آنان وارد شده و به خاطر مقاومتشان بر سلام می کنند.

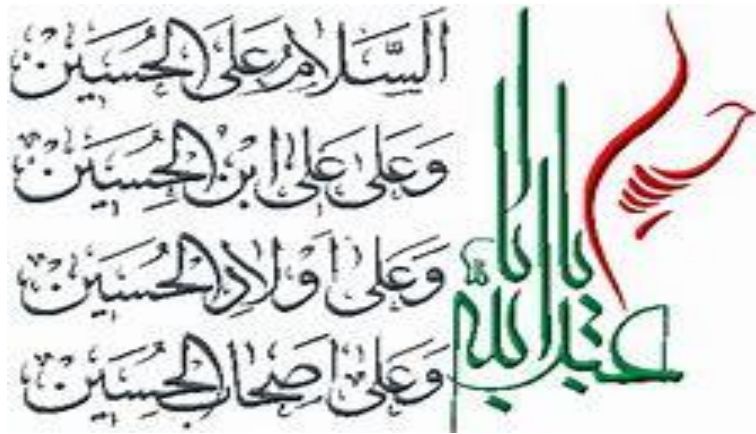
(د) از طرف خدا سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ از جانب خداوند رحیم، سلام بر آنان مراد از (سَلَامًا سَلَامًا)؛ سخنان پیراسته از ناروا و گفتگوهای همراه با صلح و صفا.

(۱) در بهشت، اسباب آزار روحی و روانی نیست. (لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا)

(۲) معمولاً کامیابی های دنیوی آمیخته با لغو و گناه است، ولی در قیامت، نیست.

(۳) بهشت، سرای سلام و سلامت است (إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا) (جامعه ای که در آن سلام و سلامتی رواج دارد و لغو و بیهودگی در آن وجود ندارد، جامعه ای بهشتی است) از امام رضا (علیه السلام) روایت شده است : اطعام کنید و سلام را آشکارا بگویید و در حالی که مردم در خواب اند نماز بپا دارید؛ و با سلام (به سلامتی) وارد بهشت شوید!

سلام اصحاب یمین



۱۰ - سَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (واقعه ۹۱) و اما اگر از اصحاب یمین باشد، (به او گفته می شود:) از طرف اصحاب یمین (که هم فکران تو هستند) به تو سلام باد. فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۹۶) پس به نام پروردگار بزرگوارت تسبیح کن.

بشارت دهدش به سَلْمٌ و سلام که باشد تو را عز و نعمت تمام

پس اکنون ستایش بکن کبریا همانا بزرگست یکتا خدا

«روح»: راحت و آسایش و رحمت. «رَيْحَانٌ»: گیاهان خوشبو و معطر و به معنای رزق و روزی نیز آمده است .

«تَّصْلِيَةٌ»: از (صلی) چشیدن، بریان شدن و افتادن.

آغاز سوره واقعه، مردم را به سه دسته تقسیم کرد: (كُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً) : مقربان درگاه الهی، اصحاب یمین و اصحاب شمال، پایان سوره نیز سرنوشت این سه گروه را تکرار می کند هرکس به میزان قرب خود، پاداش دریافت می دارد.

امام صادق (علیه السلام) : اگر محتضر از مقرّبان باشد، روح و ریحان در قبر و بهشت پر نعمت برای آخرت او مقرر می‌شود. البتّه (مقربون) با توجّه به آیات ۱۰ و ۱۱، همان پیشتازان در ایمان و عمل صالح می‌باشند (وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ) از اصحاب یمین در لحظه مرگ تنها رفع نگرانی می‌شود تا قیامت پاداش دریافت کنند. اصحاب یمین کسانی اند که نامه عملشان به دست راستشان داده می‌شود که در آیات ۷۱ اسراء و ۱۹ حاقّه و ۷ انشقاق از آنان با جمله (فَمَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ) نام برده اصحاب شمال نیز کسانی ند که نامه عملشان به دست چپشان داده می‌شود. امام باقر (علیه السلام) : منظور از (الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ) مشرکان می‌باشند برای جمله (فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ) چند معنا بیان شده (الف) به اهل بهشت (بدون آنکه شخص معینی باشد) گفته شود: سلام بر تو.

(ب) بهشتیان به پیامبر درود فرستند، بخاطر زحماتش که آنان را به این مقام رسانده.

(ج) پیامبر به خاطر رستگاری این گروه در خیر و سلامتی است.

در آیه ۵۱ : (ثُمَّ إِنَّكُمْ أَتَيْهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ، لَا كَلِمَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ رَقُومٍ) ولی در آیه ۹۲ می‌فرماید: (وَ أَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ فَنُزِّلُ مِنْ حَمِيمٍ) چرا در آیه اول، ضالّین بر مکذّبین مقدّم شده و در پایان برعکس شده است؟ پاسخ: به نظر می‌رسد که خطاب آیه اول در دنیا است که انسان از انحراف و گمراهی به تکذیب کشیده می‌شود، ولی در آخر سوره مسئله جان دادن مطرح است که آغاز کیفر است و کیفر، از خلاف سنگین آغاز می‌شود، تکذیب مهم‌تر از انحراف است. در این آیات، لحظات جان دادن سه گروه در کنار هم مطرح شده تا انسان در این نمایشگاه

معنوی، کدام یک را انتخاب کند : (فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّةُ نَعِيمٍ ... فَزُلُّ مِنْ حَمِيمٍ وَتَصْلِيَةٌ جَحِيمٍ). برای پاداش مقربان و اصحاب یمین دلیلی نیامده، ولی برای کیفر کافران دلیل آمده که چون مکذب و ضال هستند پس تنبیه، دلیل می‌خواهد ولی در لطف و محبت، کسی سراغ علت نمی‌رود.

(۱) مقربان، پس از جان دادن، بلافاصله به راحت و رفاه می‌رسند (فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ) (حرف (ف) دلالت بر گذشت زمانی اندک می‌کند.

(۲) مرگ برای مقربان، زمینه‌ساز سه رحمت است: رهایی از غصه‌ها و سختی‌های دنیا (فَرَوْحٌ)، رسیدن به الطاف الهی (رَيْحَانٌ) و رسیدن به کامیابی ابدی (وَ جَنَّةُ نَعِيمٍ)

(۳) لحظات احتضار و مرگ و اخبار چگونگی جان دادن مقربان، اصحاب یمین و اصحاب شمال را باور کرده و جدی بگیریم (إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ)

(۴) سختی جان دادن کفار و کیفر آنان با حمیم و جحیم، حق و عادلانه است (فَزُلُّ مِنْ حَمِيمٍ وَ تَصْلِيَةٌ جَحِيمٍ ... إِنَّ...)

(۵) کیفر یک عمر انحراف و تکذیب، (الْمُكْذِبِينَ الضَّالِّينَ) پذیرایی با نوشیدنی سوزان در جایگاهی آتشین است، (فَزُلُّ مِنْ حَمِيمٍ وَ تَصْلِيَةٌ جَحِيمٍ) و خداوند از کیفر نابجا منزّه است (فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ)

(۶) وجود قیامت و نظام کیفر و پاداش، نشانه ربوبیت خداوند در جهت تربیت انسان است که ستایش پروردگار را می‌طلبد (فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ)

سلام همراه تحیت بهشتیان



۱۱- دَعَاؤُهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَ آخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (يونس ۱۰)

دعا و نیایش در بهشت (سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ) پایان نیایش آنان (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)

چو در جنت آیند با لطف و ذوق نمایند تسبیح یزدان به شوق

به شکرانه تسبیح گویان مدام خدا را بخوانند هر صبح و شام

بر آنها سلامت بود تا ابد که پیوسته جاری به جانها بود

بود آخرین صحبت آن گروه سپاس خدای جهان با شکوه

نکته ها: دَعَاؤُهُمْ : دعوی به معنی دعا و خواندن است. تَحِيَّتُهُمْ : تحیت از ماده

حیات. هر دعا و ثنا و تعارفی است که شخص در روبرو شدن با شخص دیگری به

زیان می آورد. علی هذا، آن از سلام اعم است. سَلَامٌ : کلام اهل بهشت است و در

بهشت، سلام فضای همه جا را پر می کند : سلام از سوی خداوند، (سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ

رَبِّ رَحِيمٍ)، سلام از سوی فرشتگان (سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ)، و سلام از سوی بهشتیان نسبت به هم. (إِلَّا قِيلاً سَلَاماً سَلَاماً) الْحَمْدُ لِلَّهِ، کلام انبیا و اولیاست. حضرت نوح (علیه السلام) پس از نجات از قوم ظالم، (الْحَمْدُ لِلَّهِ) گفت، و ابراهیم (علیه السلام) نیز خدا را حمد کرد که در سنّ پیری اسماعیل و اسحاق را به او بخشیده است. (الْحَمْدُ لِلَّهِ) سخن مؤمنان و کلام بهشتیان است.

در حدیث : اهل بهشت با کلمه‌ی (سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ) مسئولان پذیرایی را صدا می‌زنند، آنان نیز فوری حاضر شده، خواسته‌ی اهل بهشت را تأمین می‌کنند. هرگاه بنده‌ای مشغول تمجید خدا باشد و از درخواست حوائج خود از او غافل شود، خدا بیش از آنچه با دعا کردن کردن به او می‌داد، عطا می‌کند.

پیام ها

- ۱) یاد خدا تنها در دنیا نیست، آخرت هم جای ذکر الهی است. (سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ)
- ۲) انسان به جایی می‌رسد که دعا و خواسته‌اش هم تمجید پروردگار می‌شود. (دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ) و این تسبیح و تمجید آنان را کامیاب می‌سازد
- ۳) مؤمنان، در برابر صفات الهی می‌گویند: (سُبْحَانَكَ)، در برابر سایر مؤمنان می‌گویند: (سَلَامٌ) و در مقابل کامیابی از نعمت‌های الهی می‌گویند: (الْحَمْدُ لِلَّهِ)
- ۴) مؤمن، عاشق خداست. بهشت و لذت‌های بهشتی هم او را از یاد محبوب باز نمی‌دارد، بلکه در همه چیز، لطف و قدرت خدا را می‌بیند سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ الْحَمْدُ لِلَّهِ
- ۵) آغاز سخن مؤمنان با (سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ) و پایان آن با (الْحَمْدُ لِلَّهِ) می‌باشد. (از عبارت آخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ) استفاده می‌شود که اول سخن آنان (سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ)

آنها در محیطی مملو از صلح و صفا و عشق به پروردگار و انواع نعمتها به سر می‌برند. هر زمان که جذبه ذات و صفات خدا وجودشان را روشن می‌سازد «گفتار و دعای آنها در بهشت این است که: پروردگارا! منزه و پاک از هر گونه عیب و نقصی» (دَعَوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ). و هر زمان به یکدیگر می‌رسند سخن از صلح و صفا می‌گویند: و تحیت آنها در آنجا سلام است (وَ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ). و سر انجام هرگاه از نعمت های گوناگون خداوند در آنجا بهره می‌گیرند به شکر پرداخته و آخرین سخنشان این است که: حمد مخصوص پروردگار عالمیان است (وَ آخِرُ دَعَوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) انسان ها در دیدار با یک دیگر، با اهداف ارتباط اجتماعی و مانند آن ها، از سخنان و رفتارهایی بهره می‌برند که نشان دهنده نه تنها تکریم و احترام طرف مقابل است، بلکه بیانگر نوعی کنش و واکنش احساسی و عاطفی و رفتاری با دیگری نیز است. ارتباط اجتماعی با دیگری با مقاصد گوناگونی چون تعامل دو سویه، جنگ و ستیز، دفاع و مانند آن ها انجام می‌شود. بی گمان برخورد ابتدایی، بسیار تعیین کننده است؛ زیرا مشخص می‌کند چه مقاصدی مد نظر است؛ خدا بارها به این نکته توجه می‌دهد که اهل بهشت با سلام به استقبال می‌آیند و تحیت ایشان همان سلام است.

از نظر قرآن، اگر انسان در محیط غریب وارد شد و نمی‌داند که مخاطبان ایشان مسلمان هستند یا نه؟ وقتی با سلام استقبال کردند، اصل بر این بگذارید که ایشان مسلمان هستند و به عنوان یک مسلمانان با آنان تعامل کنید، نه این که جنگ کنید تا متاعی از این طریق به دست آورید. نساء ۹۴

سلام به خاطر صبر داشتن



۱۲- أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَ سَلَاماً (فرقان ۷۵)

چنین بندگان که بردیم نام بگفتیم اوصافشان را تمام

به پاداش آن صبر اندر بهشت بر ایشان خداوند قصری نوشت

ملاقات سازند هم را به کام به ذکر تحیت به قول سلام

این آیه درباره امام علی مرتضی (علیه السلام) نازل گردیده است. «خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقَامًا» (۷۶) در آن جا، جاودانه هستند. چه نیکو جایگاه و منزلگاهی است. سفارش به داشتن صبر در سوره ی عصر اشاره شده و در گرو عمل صالح و شایسته و با حقیقت و واقعیت بودن یا بالاخره نبودن انسان در خسارت و زیان است (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ.... وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ)

نکته ها: (غرفة) به اتاقی گویند که از کف زمین بالاتر باشد و چشم انداز داشته باشد.

۱ - بهشت را به بها دهند ، نه بهانه. (يُجْزَوْنَ ... بِمَا صَبَرُوا)

۲ - بنده‌ی خدا شدن ، به صبر و پشتکار نیاز دارد. (بِمَا صَبَرُوا) همچنین تفاسیر، استفاده می‌شود که اظهار محبت‌های عملی نیز در مفهوم تحیت داخل است،

در تفسیر از امام باقر و امام صادق (ع) : «الْمُرَادُ بِالتَّحِيهِ فِي الْاِيَةِ السَّلَامِ وَغَيْرِهِ مِنَ الْبِرِّ» : منظور از تحیت در آیه، سلام و هر گونه نیکی کردن است.

کنیزی یک شاخه گل خدمت امام حسن (علیه السلام) هدیه کرد، امام در مقابل آن، او را آزاد ساخت، و فرمود : خداوند این ادب را به ما آموخته آنجا که می‌فرماید: «وَ اِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّهِ فَحَيُّوْا بِاَحْسَنَ مِنْهَا» (هنگامی که تحیت و نیکی شدید به بهترین نحو پاسخ دهید) تحیت بهتر، همان آزاد کردن او است!

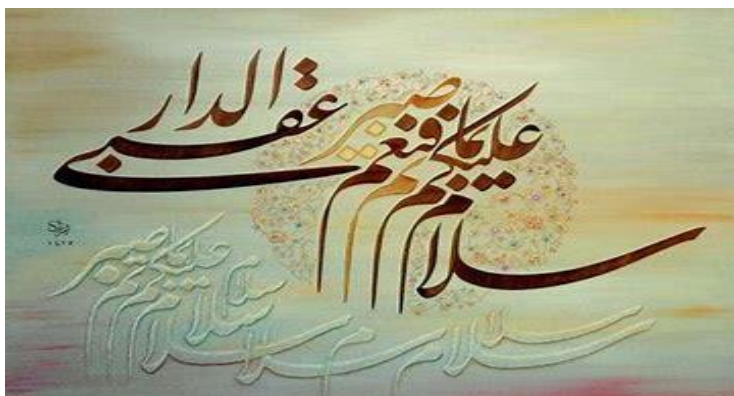
و به این ترتیب آیه یک حکم کلی درباره پاسخ گویی به هر نوع اظهار محبتی اعم از لفظی و عملی می‌باشد. سلام تحیت بزرگ اسلامی است.

تمام اقوام جهان هنگامی که به هم می‌رسند برای اظهار محبت به یکدیگر نوعی تحیت می‌گویند، در اسلام نیز سلام یکی از روشنترین تحیت ها است، و آیه فوق همانطور که اشاره شد گرچه معنی وسیعی دارد اما یک مصداق روشن آن سلام کردن است. پیامبر (صلي الله عليه و اله) می فرمایند نشانه های انسان صبور سه چیز است:

۱- کسل و خسته نمی شود. ۲- بی قراری نمی کند.

۳- از پروردگارش شکایت نمی کند، چون وقتی کسل شود، حقوق را ضایع و تباه خواهد کرد و هنگامی که بی قراری کند، سپاسگزاری نمی کند

سلام به خاطر استقامت



۱۳- سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعَمَ عُقْبَى الدَّارِ (رعد ۲۴)

بگویند بادا شما را سلام که بودید صابر به دنیا تمام

که تا یافتید این چنین پایدار نکومنزلی را به دار القرار

«بِمَا صَبَرْتُمْ»: به سبب صبری که کردید. و آن شکیبائی بر ناگواری‌ها، تحمل اذیت و آزارها، مبارزه با هواها و هوس‌ها، استقامت بر عقیده و ایمان، و غیره است. این آیه درباره ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و پیروان آن‌ها نازل گردیده است. یکی از امتیازات بی‌نظیر قرآن، بیان پر محتواترین مطالب، در قالب ساده‌ترین و مختصرترین کلمات است. از (سَلَامٌ عَلَيْكُمْ) که جمله‌ای بسیار کوتاه و آسان، اما پرمحتوا و رساست و سابقه‌ی آن به انبیای گذشته همچون ابراهیم، نوح و آدم می‌رسد. سلام، یکی از نام‌های خدا، تهنیت خدا بر پیامبران، تبریک الهی بر بهشتیان، زمزمه فرشتگان، کلام بین‌المللی تمام مسلمانان، شعار بهشتیان در این جهان و آن جهان، ذکرخالق و مخلوق، ندای وقت ورود و خروج، آغاز هر کلام در نامه و بیان است که هم بر مرده و زنده و هم بر بزرگ و کوچک گفته می‌شود و پاسخ آن در هر حال

واجب است. وقتی ما در پایان هر نماز می‌گوییم: (السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ)، با این سلام بر بهترین مخلوق و کسی که رحمت بر هر دو جهان دارد تهیّت و درود می‌فرستیم. (السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ)، با این سلام تمام مرزهای نژادی و امتیازات پوچ سنّ، جنسیت، مال، مقام، زبان و زمان را در طول تاریخ در هم می‌شکنیم و با همه بندگان صالح خدا ارتباط برقرار می‌کنیم. (السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ)، بر تمامی خلق مقابل خود هم درود و سلام می‌فرستیم. در روایات آمده است: گروهی از مردم پیش از رسیدگی به حساب، به بهشت می‌روند؛ وقتی فرشتگان علت را سؤال می‌کنند، پاسخ می‌شنوند که ما در دنیا بر اطاعت خداوند و بر مشکلات و مصایب صبر می‌کردیم و اهل شکیبایی بودیم. فرشتگان با «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» از آنان استقبال می‌کنند.

نکات درباره صبر

۱. صبر را از خدا بخواهیم و آن را از خداوند بدانیم: «وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ» ؛
۲. هدف از صبر را رضایت الهی قرار دهیم، نه خوشنامی و...: «وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ» ؛
۳. صبر از صفات انبیاست: «كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ» ؛
۴. صبر کلید بهشت است: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ...» ؛
۵. صبر در بلاها، راه شناخت مجاهدان و صابران است: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ» ؛
۶. صبر، راه دریافت صلوات خداوند است: «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ... أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ» .

شاید یکی از علل صلوات بر پیامبر و اهل بیت او این است که آنها صابرتین مردم بودند؛

۷. جایگاه صبر نسبت به ایمان، به منزله ی سر برای بدن است. پیامبر: «الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْبَدَنِ»

۸. صبر، میزان درجات بهشتیان است: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ» «أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا» «وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا»

۹. در سراسر قرآن، فقط در باره ی صابران، اجر بی حساب مطرح شده است: «إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ»

۱۰. قرآن مجید در کنار صبر، شکر را نیز مطرح و این اشاره به این است که در مشکلات هم باید شاکر بود: «لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ»

الف. سرچشمه ی همه ی کمالات، صبر است: «بما صبرتم» ؛ در پایان هشت ویژگی اولوا الالباب، صبر بیان شده و فرشتگان نیز به دلیل صبر، بر صابران درود می فرستند.

ب. سلام کردن به هنگام ورود، شیوه ی فرشتگان: یدخلون علیهم، سلام علیکم
ج. به کسانی که پایداری و پشتکار دارند، احترام بگذاریم و با درود و سلام، آنان را تشویق و تقویت کنیم:

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ» ؛ در نظام الهی، درود و تهنیت بر اساس تلاش و تحمل است، نه تملق و گزافه؛ ؛ به فکر آسایش در سرای باقی باشیم که سرای دنیا فانی است: «فنعم عقبی الدار» .

سلام و امنیت، ورود به بهشت



۱۴) إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ. ادْخُلُوها بِسَلامٍ آمِنِينَ (حجر ۴۶)

که بر متقین نیز در سرنوشت بود آب جاری و باغ بهشت

بگویند بادا شما را درود کنون ایمن آید اینجا فرود

آنچه مهم است جمع شدن همه‌ی نعمت‌ها در یکجاست، زیرا در دنیا یکجا باغ هست، چشمه نیست و گاهی چشمه هست، باغ نیست و گاهی هر دو هست، سلامتی نیست و گاهی هر سه هست، امنیت نیست و گاهی همه هست، ولی صفا و صمیمیت نیست و گاهی همراه با انواع سختی‌ها و رنج‌هاست و گاهی که انواع نعمت‌ها یکجا جمع می‌شود باید همه را رها کرد و رفت. لیکن در قیامت انواع نعمت‌های مادی و معنوی و اجتماعی و روانی همراه با ابدیت است.

۱) بشارت، در کنار آیات تهدید کننده‌ی قبل، یک ضرورت تربیتی است. (لَهَا سَبْعَةٌ أَبْوَابٌ ... إِنَّ الْمُتَّقِينَ ...)

۲) دوری از گناه در این چند روزه‌ی دنیا، کامیابی ابدی را به همراه دارد. (إِنَّ الْمُتَّقِينَ

... وَ مَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ)

- ۳) نعمت‌های بهشتی، متنوع و متعدد است. (جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ)
- ۴) نعمت‌های بهشتی، بی‌نقص است. باغ با چشمه، سلامتی با امنیت، برادری با صمیمیت، راحتی با دوام است. (لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ)
- ۵) نعمت‌های بهشت جامعیت دارد. هم مادی است مثل باغ و چشمه، هم روحی است مثل امنیت و صفا، هم اجتماعی است مثل اخوت و برادری و از همه بالاتر همراه با رضای الهی و تبریک و تهنیت است. (أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ)
- ۶) کینه توزی با برادری سازگار نیست. اول باید کینه‌ها برطرف شود بعد برادری محقق می‌شود. (وَ نَزَعْنَا ... إِخْوَانًا)
- ۷) قهر و نارضایتی و عدم تحمل یکدیگر، همه جا نشانه حق بودن یکی و باطل بودن دیگری نیست. (إِنَّ الْمُتَّقِينَ ... نَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍ)
(زیرا گاهی دو نفر با اینکه اهل بهشت هستند و هدفی مقدس دارند، لیکن هر کدام از یک زاویه به مسئله می‌نگرند و کار دیگری را باطل می‌پندارند و نسبت به او عصبانی می‌شوند که در قیامت همه کدورت‌ها با اراده خداوند زدوده می‌شود)
- در روایات آمده:** گروهی از مردم قبل از رسیدگی به حساب، به بهشت می‌روند، وقتی فرشتگان علت را سؤال می‌کنند، جواب می‌شنوند که ما در دنیا بر اطاعت خداوند و بر مشکلات و مصایب صبر می‌کردیم و اهل شکیبایی بودیم. فرشتگان با شنیدن جواب، از آنان با (سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ...) استقبال می‌کنند. امام صادق (علیه السلام): ما اهل صبر هستیم، اما شیعیان ما از ما صبورتر می‌باشند.

زیرا صبر ما بر چیزی است که می‌دانیم، ولی آنان بر چیزی صبر می‌کنند که مثل ما نمی‌دانند. **حدیث:** لَمَّا بُوِيعَ بَعْدَ مَقْتَلِ عَثْمَانَ صَعِدَ الْمِنْبَرَ فَقَالَ... أَلَا وَإِنَّ التَّقْوَى مَطَايَا ذُلُّ حُمَلٍ عَلَيْهَا أَهْلُهَا وَ أُعْطُوا أَرْمَتَهَا فَأُورِدَتْهُمْ الْجَنَّةَ وَ فُتِحَتْ لَهُمْ أَبْوَابُهَا وَ وَجَدُوا رِيحَهَا وَ طِيبَهَا وَ قِيلَ لَهُمْ «ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ» امیرالمومنین (علیه السلام) بعد از کشته شدن عثمان و بیعت مردم با وی، بر منبر رفته، خطبه‌ای خواندند: بدانید که همانا تقوی مرکبی رام است که اهلش بر آن سوار می‌شوند و زمامش را به دست می‌دهد و آن‌ها را به بهشت وارد می‌کند،

پس درهای بهشت را برایشان می‌گشایند و راحتی و پاکی آن را می‌یابند و بدان‌ها گفته می‌شود: «با سلامت داخل شوید در حالی که ایمن‌اید» (حجر/۴۶). (الکافی، ج ۸، ص ۶۸ و نیز نهج البلاغه، خطبه ۱۶).

تفسیر المیزان: سلام در معنا نزدیک با امن است. با این فرق که امن عبارت است از خالی بودن مکان از هرچه مایه ترس است اما سلام یعنی محل طوری باشد که هر چه آدم در آن می‌بیند موافق طبعش باشد.

در اسلام سلام دادن که در حقیقت اعلام امنیت از تعدی و ظلم از ناحیه سلام دهنده به شخصی است که به وی سلام می‌دهد، شخص سلام دهنده به سلام گیرنده اعلام می‌کند تو از ناحیه من در امانی و هیچگونه ظلمی و تجاوزی از من نسبت به خودت نخواهی دید

بهشتیان اهل صفا و صمیمیت و سلام اند



۱۵- وَ أَدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ (ابراهیم آیه ۲۳)

ولی مؤمنان به پروردگار نکوکار مردان پرهیزکار

بیایند یکسر به باغ جنان که جویست زیر درختان آن که

با عزت و احترامی تمام بمانند جاوید در آن مقام

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، به باغ‌هایی که از زیر درختانش نهرها جاری است داخل شوند آنان با اذن پروردگارش برای همیشه در آن خواهند بود و تحیت آنان به یکدیگر سلام است.

بهشتیان اهل صفا و صمیمیت و سلام‌اند، نه نزاع و قهر.

در بهشت به هر سو بنگری، سلام است. گاهی انسان، خود به جایی می‌رود و گاهی دیگران می‌آیند و او را با تشریفات مخصوص به آن جا می‌برند.

خداوند در این آیه می‌فرماید: (وَأُدْخِلَ) یعنی اهل بهشت به صورت ساده و معمولی داخل نمی‌شوند، بلکه آنان را با احترام و تشریفات به بهشت می‌برند.

و نیز می‌فرماید: «تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا» ؛ درودشان روزی که دیدارش کنند سلام خواهد بود و برای آنان پاداشی نیکو آماده کرده است. (احزاب، آیه ۴۴) این تحیت با خود لفظ زنده باد و تحیت بیان می‌شود و شخص مثلاً می‌گوید: «حیاک الله» ؛ اما بهتر است که تحیت و زنده باد، با لفظی دیگر انجام شود که در قرآن از آن به «سلام» یاد شده است.

در آیه‌ی (۷۲ سوره‌ی زمر) نیز می‌فرماید: متقین بهشتی گروه گروه به بهشت برده می‌شوند یا کشیده می‌شوند (وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا)

اما درباره‌ی دوزخیان می‌خوانیم که آنان را با شکنجه به سوی عذاب می‌برند: (خُدُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ) او را بگیرید و ببندید و سپس به دوزخ پرتاب کنید. اهل دوزخ، از یکدیگر متنفر و بیزارند و همدیگر را نفرین می‌کنند، ولی بهشتیان به یکدیگر سلام می‌کنند. مؤمنان، همواره در بهشت خواهند بود. در بهشت، نهرهای مختلفی وجود دارد:

الف: نهر آب: (أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ) ب: نهر شیر: (أَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ)

ج: نهر شراب بهشتی: (أَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ)

د: نهر عسل: (وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى)

سلام پاداش



۱۶- تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (نحل ۳۲)

ملائك از آنها چو گیرند جان
بر آنها گشایند این سان زبان
چو پاکیزه ماندید ز اعمال زشت
کنون پس درآید اندر بهشت

مراد از (طَيِّبِينَ) با توجه به آیات قبل که در مورد اهل کفر و شرک بود کسانی هستند که اهل شرک و گناه نبوده‌اند و اینها همان متقین هستند. (طیب) پاک از هرگونه کدورت و ناخالصی و آراسته به کمالات و محاسن.

یعنی متقین کسانی هستند که ملائکه آن‌ها را قبض روح می‌نمایند، در حالیکه آنان از پلیدی ظلم، شرک و معاصی، عاری هستند (به خلاف مستکبران و ستمکاران) و به آنان می‌گویند: درود بر شما (و این کلام امان دادن قولی آنان نسبت به متقین است) وارد بهشت شوید، به پاداش آن اعمال شایسته‌ای که در زندگی دنیا بر آن مداومت داشتید و این سخن ملائکه راهنمایی آن‌هاست به سوی بهشت.

۱) کیفر و پاداش بعضی، از همان لحظه مرگ آغاز می‌شود (تَتَوَفَّاهُمْ... ادْخُلُوا الْجَنَّةَ)

۲) مرگ، نیستی نیست، گرفتن روح است. (تَتَوَفَّاهُمْ)

۳) فرشتگان، مأموران الهی‌اند و خداوند برای هر کار مأمورانی دارد تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ

۴) مرگ پاکان همراه با درود فرشتگان است. (تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ)

۵) سلام کردن، شعار فرشتگان و ادبی آسمانی است. (يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ) در سلام،

دعا، سلامتی و امنیتی وجود دارد)

۶) بهشت را به بها دهند نه بهانه. (ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ)

حدیث : از زید بن علی [فرزند امام سجاد (علیه السلام)]: در روز قیامت، منادی

ندا می‌دهد: کجایند کسانی که فرشتگان آن‌ها را، در حالی که پاک و طیب هستند،

قبض روح می‌کنند، می‌گویند سلام بر شما؟ پس عده‌ای بلند می‌شوند در حالی که

صورت‌هایشان نورانی است. به آن‌ها گفته می‌شوند: شما کیانید؟

می‌گویند: ما دوستداران امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) هستیم.

خطاب می‌شود: به چه جهت او را دوست داشتید؟ می‌گویند: پروردگارا! به خاطر

اطاعتش نسبت به تو و به پیامبرت. به آن‌ها خطاب می‌شود: راست گفتید! «داخل

بهشت شوید به خاطر آنچه که همواره انجام می‌دادید». (تفسیر فرات الکوفی،

ص ۲۳۴)

سلام هنگام ملاقات خدا



۱۷- تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَ أَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا (احزاب ۴۴)

پذیرائی از مؤمنان در لقا سلامی است از سوی یکتا خدا

بر ایشان مهیاست اجری کریم نکومزدی از کردگار حکیم

کلمه‌ی (تحیت) از (حیات)، به معنای دعا کردن برای سلامتی و حیات دیگران است. مراد از (يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ)، (روز ملاقات)، روز رستاخیز است که با کنار رفتن پرده‌ها، انسان به مقام شهود باطنی و دید قلبی می‌رسد، گویا خدا را ملاقات می‌کند.

۱ - سلام، درودِ بهشتی و بهشتیان است. (تَحِيَّتُهُمْ ... سَلَامٌ)

۲ - پاداش‌های الهی، هم بزرگوارانه است، هم بزرگ و گرانقدر أَجْرًا كَرِيمًا، أَجْرًا عَظِيمًا

۳ - ملاقات با خدا بهترین پاداش است و عبادتِ مخلصین برای رفتن به بهشت

نیست و برای نرفتن به جهنم گناه نمی‌کنند بلکه فقط آرزویشان دیدار و لقاء الله

است. يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ

«حَيَّاكَ اللهُ» (خدا برای تو زندگی قرار دهد) [در فارسی می‌گوییم: ان‌شاءالله زنده باشی؛ خدا عمرت را زیاد کند]

در قرآن کریم، کلمه «تَحِيَّة» ۶ بار و به صورت فعل ۴ بار (حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ، مجادله/۸؛ حَيَّيْتُمْ ... فَحَيُّوا، نساء/۸۶) آمده است.

«تَحِيَّت»: یک نوع تهنیت گفتن است؛ تا حدی که برخی گفته‌اند حَيَّاكَ اللهُ به معنای «سلام عليك» هم به کار می‌رود.

وقتی به مسلمانان گفته می‌شود که بگویند «التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ» یعنی توجه کنید که سلام و بقا و مُلک [حکومت و سلطنت] از آنِ خداست.

کلمه «تَحِيَّة» بر وزن «تفعله» (تَحِيَّة) بوده که دو حرف یاء در هم ادغام شده است. (النهاية في غريب الحديث و الأثر، ج ۱، ص ۱۸۳)

پس ما را با تحیت و سلام خود نزدیک فرما و با پاداش بزرگ منشانه‌ای از رحمت بر ما منت گذار و ما را از جانب [حضرت] محمد با برترین صلوات بهره‌مند ساز و «بر آن‌ها صلوات بفرست که همانا صلوات تو مایه آرامش آنان است» (توبه/۱۰۳)

و با صلوات او و صلوات اهل بیتش ما را پاک و تزکیه فرما و آنچه از علم و معرفت آنها به ما دادی نزد خودت مستقر و مقبول، و نه موقت و گذرا، قرار بده، ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان.

سلام اعرافیان بر بهشتیان



۱۸- وَ بَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَ عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعرِفُونَ كَلًّا بِسِيمَاهُمْ وَ نَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَ هُمْ يَطْمَعُونَ (اعراف ۴۶)

بود پرده ای بین آن دو گروه	که يك سوى آن زجر و يكسو شكوه
يكي پرده حائل بود آن میان	جدا کرده کفار از مؤمنان
در اعراف هستند مردان پاك	که سيمای آنهاست بس تابناك
برآرند بر اهل جنت ندا	که بادا سلامی به روی شما
پس آن اهل اعراف يك همچو روز	نگشتند داخل به جنت هنوز
ولی در دل خویش این انتظار	کشند و ز شوقند بس بی قرار

نکته ها : مراد از (حجاب) در این آیه، شاید همان دیواری باشد که در آیهی (۱۳ سورهی حدید) می خوانیم که میان بهشتیان و دوزخیان دیواری زده می شود که سمت بیرونی آن، عذاب و قسمت درونی اش رحمت است. (فَضْرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَ ظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ)

(اعراف) جمع (عرف)، به معنای مکان بلند است. در قرآن تنها در همین مورد از اعراف و اهل آن سخن به میان آمده و این سوره نیز به خاطر همین آیه اعراف نام گرفته است.

در روایات و تفاسیر، نظرات مختلفی درباره‌ی اهل اعراف به چشم می‌خورد. برخی آنان را اولیای خدا دانسته‌اند که بر بلندی میان بهشت و جهنم قرار می‌گیرند و از سیمای مردم، همه‌ی آن‌ها را می‌شناسند، بهشتیان را سلام و تبریک می‌گویند و از سرنوشت دوزخیان نگرانند؛ اما برخی آنان را افراد ضعیفی معرفی می‌کنند که گناهان و عبادات مساوی دارند و منتظر لطف خدایند (آنگونه که از آیه‌ی ۱۰۶ سوره‌ی توبه استفاده می‌شود)،

یا افراد نابالغ، یا کافرانی که ندای ایمان و دین به آنها نرسیده و انسان‌های خوبی بوده‌اند، یا افراد مجنون و دیوانه که تکلیفی بر آنان نیست. شاید بتوان گفت که صاحب و محور اصلی اعراف، اولیای خدایند و افراد ضعیف، در حاشیه قرار دارند. برخی معتقدند که نیکوکاران به بهشت می‌روند و مجرمان به دوزخ، افراد متوسط و ضعیف در اعراف گرفتار و منتظر سرنوشت می‌مانند، ولی اولیای خدا که بر اعراف قرار دارند، به کمک آنان برخاسته و شفاعت می‌کنند. این بیان از جمع نظریات مفسران و روایات استفاده می‌شود. در روایات می‌خوانیم که اصحاب اعراف شهدایی هستند که نواقصی در پرونده آنان است، یا افرادی هستند که خوبی‌ها و بدی‌های آنان یکسان است، اگر خداوند آنان را به دوزخ ببرد به خاطر گناهانشان است و اگر به بهشت ببرد از رحمت اوست .

پیام ها

۱) رفتار و خصلت‌های دنیوی، سیمای انسان را به گونه‌ای می‌کند که در قیامت دیگران با نگاه او را می‌شناسند. (يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ)

البته شناسایی به این شکل، در دنیا نیز ممکن است، چنان که خداوند در باره‌ی منافقان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: (وَ لَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَ لَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ)

۲) برای ورود به بهشت، لطف و عنایت الهی لازم است أَصْحَابَ الْجَنَّةِ ... هُمْ يَطْمَعُونَ اصحاب اعراف انسان‌های بزرگ و با شخصیتی هستند که بر همه آفریدگان اشراف دارند و اولین و آخرین را می‌شناسند؛ چنان که در دنیا، اهل خیر و ایمان و اهل شرّ و طغیان را می‌شناختند. آنان بر بهشتیان درود می‌فرستند و در قیامت که بسیاری در وحشت و اضطراب به سر می‌برند، تسلی‌دهنده دیگران هستند و روزی که فرمان و قدرت خدا نافذ است، آن‌ها هم به اذن خداوند دارای نفوذ و قدرت هستند، از این رو برای ورود به بهشت فرمان می‌دهند. همچنین گفته‌اند فرزندان کافران که در طفولیت مرده باشند، مردم زمان فترت، جنیان با ایمان، کسانی که در عبادت دچار خود بزرگ بینی می‌شوند، کسانی که ارتکاب صغایر، آنان را در آخرین رتبه انسان‌ها قرار می‌دهد و کفاره آن، مشکلات و نابسامانی‌هایی است که در دنیا می‌بینند، کسانی که تنها پدر یا مادر آنها از آنان خشنود باشد. و کسانی که بدون اجازه پدر به جهاد رفته‌اند، و کافر زاده‌هایی که دعوت حق را نشنیده‌اند و انسان‌های خوبی هستند، شامل اصحاب اعراف می‌شوند.

سلام خداحافظی با مشرکان



۱۹- فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَ قُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (زخرف ۸۹)

نکردند چون دین حق را قبول
تو صورت از آنان بتاب ای رسول
بگو بر سلامت، به هر ره روید
بزودی بخواهید آگه شوید

در فرهنگ عرب، دو موقع سلام می‌کنند؛ یکی هنگام ورود و ملاقات و دیگری هنگام خروج و خداحافظی. چنانکه در پایان هر نماز می‌گوییم: (السلام علیکم ورحمة الله و برکاته). مراد از سلام در این آیه نیز سلام خداحافظی و متارکه است. در فارسی نیز یک درود داریم و یک بدرود.

۱) مشرکان لجوج را به حال خویش رها کنید و با آنان منازعه نکنید. (فَاصْفَحْ عَنْهُمْ)

۲) حتی با مشرکان، زندگی همراه مسالمت لازم است. فَاصْفَحْ ... وَ قُلْ سَلَامٌ

(کمترین انتظار دین از بشر همزیستی مسالمت‌آمیز اجتماعی است)

۳) پیامبر اسلام تمام کارهای خویش را به فرمان خداوند انجام می‌داد.

۴) خداوند مخالفان پیامبران را به کیفر سختی هشدار داده است.

(تفسیر المیزان - خلاصه)

(فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ): (پس از ایشان در گذر و با آن ها وداع کن که بزودی خواهند دانست) این آیه تهدید و وعیدی است نسبت به کفار و تسلی برای رسول خداست و در آن به پیامبر دستور می دهد که از آنان اعراض کند و با این کلام آن حضرت را از ایمان آنها مأیوس می کند و می فرماید:

با آن ها وداع کن، یعنی ترک مخاصمه و جدال نما چون آنها هرگز ایمان آور نیستند اما به زودی در قیامت حقیقت امر را خواهند فهمید.

در سوره ی احزاب هم خداوند به پیامبر می فرماید : اطاعت کافران و منافقان را نکن و از آزار و اذیتشان درگذر و توکل کن به خدا و

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) : اگر من فضیلت اهل بیتم را به آن ها بگویم، ایمان نمی آورند. خداوند فرمود: از [تکذیب و انکار] آنان غمگین مباش. (نمل/ ۷۰) و بگو: «سلام بر شما»، اما به زودی خواهند دانست! پیغمبر (صلی الله علیه و آله) اندکی از فضیلت وصییش تذکر داد، و در دل ها نفاق افتاد.

در حالی که رسول خداصلی الله علیه و آله آن نفاق و گفتار ایشان را می دانست. آیه (بَلِّغْ) معرفی وصی و جانشین بعد از خود، مضمون همین سخنان می باشد. (وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ).

سلام خدا و فرشتگان بر پیامبر رحمت



۲۰- إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلُّوا تَسْلِيمًا ﴿احزاب ۵۶﴾

خدا و ملکهای او بس سلام
بر احمد (ص) فرستند هر صبح و شام
شما نیز ای مؤمنان به رب
درودش فرستید هر صبح و شب
به تعظیم گوئید بر او سلام
سلامش نمایید با احترام

خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند ای اهل ایمان بر او درود فرستید و به فرمانش بخوبی گردن نهید. درود خداوند بر پیامبر عظیم الشان به معنای فرستادن رحمت ویژه از جانب حضرت حق است و حضرت پیوسته مورد عنایت و لطف بیکران الهی قرار گرفته و میگیرد. صلوات فرشتگان نیز به پاکی یادکردن آن حضرت و دعا و طلب رحمت برای او می باشد

«يُصَلُّونَ»: درود خدا بر محمد عبارت است از **نزول رحمت**.

درود فرشتگان **دعا و طلب آمرزش** برای او است. «صَلُّوا عَلَیْهِ»: درود مؤمنان بر او، **صلوات فرستادن** است.

«سَلِّمُوا تَسْلِيمًا»: سلام بگوئید سلام کردن، عِلَّتْ تَأْکِید (سَلِّمُوا) با (تَسْلِيمًا) این است که در بخش صلوات، خدا و فرشتگان شرکت دارند و به منزله تأکید است و لذا تنها این قسمت به تأکید نیاز داشت.

معنی دیگر (سَلِّمُوا تَسْلِيمًا) تسلیم فرمان و منقاد او امر پیغمبر گشتن است.

فرق صَلَّوْا و سَلِّمُوا: «صَلَّوْا» امر به طلب رحمت و فرستادن درود بر پیامبرست. اما «سَلِّمُوا» احتمال است:

الف: تسلیم برابر فرمان های پیامبرست؛ چنانچه در آیه ۶۵ نساء در وصف مومنان آمده «ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» مومنان کسانی ند که به داوری تو تن دهند و حتی در دل، از قضاوتت ناراحتی نداشته باشند و تسلیم مطلق گردند.

ب، سلام فرستادن بر پیامبر با عبارت السلام عليك يا رسول الله و مانند آن می باشد که محتوایش، تقاضای سلامت پیامبر از پیشگاه خداست. این دو معنا، تسلیم قولی و عملی برابر پیامبر (صلی الله علیه و آله) است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلام همراه نزول گوساله بریان



۲۱- وَ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ (هود ۶۹)

ملکهای خود را ز هفت آسمان	یکی روز یزدان به دور زمان
فرستاد سوی نبی خلیل	درآورد شکل بشر بس جمیل
بدادند سوی خلیل این ندا	پس آنکه، فرستادگان خدا
نبی نیز دادی جواب کلام	بگفتند بر او که بادت سلام
بیاورد در پیش آن چند مرد	ز گوساله بریان کبابی بکرد

بشری و بشارت : مزده و خبر مسرت بخش که اثر آن در پوست و بشره چهره آشکار می شود.

سلام : سلام به معنی سلامت و کنار بودن از آفات ظاهری و باطنی است. سلام قولی در اسلام ، سلامت خواستن از خدا برای شخص است.

پیام ها

- ۱) فرشتگان، به اذن الهی به صورت و شکل انسان در می آیند. (جاءت رُسُلنا اِبْرَاهِیمَ)
- ۲) سخن را باید با سلام آغاز کرد. (قالوا سَلاماً)
- ۳) سلام را به نحو بهتر باید جواب داد.
- ۴) جمله‌ی (سلام) جمله‌ی اسمیه است که دوام و ثبوت آن از جمله‌ی فعلیه‌ی (قالوا سَلاماً) بیشتر است
- ۵) در پذیرایی باید تسریع نمود. (فَمَا لَبِثَ)
- ۶) پذیرایی از میهمان یک ارزش است، اگر چه ناشناس باشد. (جاءَ بِعِجْلِ حَنِیدِ)
- ۷) ابراهیم علیه السلام، میهمان دوست و سخاوتمند بود. (جاءَ بِعِجْلِ حَنِیدِ)
- ۸) از میهمان در مورد غذا سؤال نکنیم. (آیا غذا میل دارید؟ چه غذایی ... ؟) جاءَ بِعِجْلِ
- ۹) در پذیرایی، خودمان مباشر باشیم. (جاءَ بِعِجْلِ)
- ۱۰) غذا را نزد میهمان ببریم، نه میهمان را به طرف غذا. (جاءَ بِعِجْلِ)
- ۱۱) پذیرایی از میهمان، مطلوب و ویژه باشد. (بِعِجْلِ حَنِیدِ)

سلام میهمانان به ابراهیم علیه السلام

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ . إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ (ذاریات ۲۵)

سلامش بگفتند آنان نکو

چو داخل بگشتند در بیت او

سپس گفت هستید خود ناشناس

بداد او جواب سلام از سپاس

گروهی از فرشتگان برای بشارت تولد فرزند، به خانه حضرت ابراهیم وارد شدند. اما آن حضرت آنان را نشناخت ولی با این حال به خانه دعوت کرد و اسباب پذیرایی را فراهم نمود.

اما چون دید که غذا نمی‌خورند، نگران شد و دلیل آن را پرسید و آنان خود را معرفی کردند. در مواردی، فرشتگان به شکل انسان ظاهر شده‌اند همچون: نزول جبرئیل بر حضرت مریم، حضور هاروت و ماروت در حکومت سلیمان و نزول فرشتگان بر حضرت ابراهیم (علیه السلام).

آداب مهمانی

۱) مهمان، محترم است (ضَيْفٍ ... الْمُكْرَمِينَ) مهمان، وقتی وارد شد، سلام کند (فَقَالُوا سَلَامًا) جواب سلام او لازم است (قَالَ سَلَامٌ)

۲) صاحب خانه دور از چشم مهمان به سراغ تهیه غذا برود (فَرَاغٌ) بهترین غذاها فراهم شود. (بِعَجَلٍ سَمِينٍ) غذا را در خانه و به کمک خانواده تهیه کنیم. (إِلَى أَهْلِهِ)

- ۳ پذیرایی سریع باشد. (فَجَاءَ) حرف (فاء) نشانه سرعت و زمانی کوتاه است.
- ۴ مهمان را نزد سفره نبریم، بلکه سفره را نزد مهمان بیاندازیم. (فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ)
- ۵ از مهمان نپرسیم که غذا خورده‌ای یا نه. (فَرَأَى إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ) حضرت ابراهیم بدون پرسش به سراغ خانواده و تهیه غذا رفت .
- ۶ شخصاً از مهمان پذیرایی کنیم. (فَجَاءَ) (خود حضرت غذا آورد) غذا در دسترس مهمان باشد. (فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ)
- ۷ مهمان غذا را بپذیرد و میل کند، که صاحب خانه دغدغه نداشته باشد. (أَلَّا تَأْكُلُونَ)
- ۸ اول پذیرایی، بعد گفتگو. فَجَاءَ بِعَجَلٍ سَمِينٍ ... بعد پرسیدند: (فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ)
- ۹ اگر مهمان خبر تلخ و شیرینی دارد، اول خبر شیرین و سپس تلخ را عنوان کند. (بَشِّرُوهُ... أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ) (ابتدا بشارت فرزند سپس نزول عذاب بر مجرمان
- پیام ها :**

- ۱) سرگذشت ابراهیم و مهمانان او شایان شنیدن و آموختن است. (هَلْ أَتَاكَ)
- ۲) در ارشاد و هدایت، هم از شیوه تمثیل استفاده کنیم و هم از شیوه داستان. (مثل
- أَنْتُمْ تَنْطِقُونَ ...)
- ۳) مهمانی، یک ارزش و گرامی داشتن مهمان، سیره‌ی ابراهیمی است صَبِيفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ

- ۴) در سلام کردن، همه‌ی واردان سلام کنند نه بعضی. (فَقَالُوا سَلَامًا)
- ۵) سلام کردن، باید سریع و بلافاصله پس از ملاقات باشد. (فَقَالُوا) حرف (فاء) نشانه سرعت و زمانی کوتاه است
- ۶) آغاز سخن با سلام، یک‌ادب آسمانی حتی میان فرشتگان است. (فَقَالُوا سَلَامًا)
- ۷) سلام دیگران را پاسخ دهیم گرچه ناشناس باشند. (قَالَ سَلَامٌ قَوْمٍ مُنْكَرُونَ)
- ۸) مهمان گرامی است، گرچه ناشناس باشد. (ضَيْفٍ ... الْمُكْرَمِينَ ... قَوْمٍ مُنْكَرُونَ)
- ۹) علم حضرت ابراهیم پیامبر، محدود بود. (قَوْمٍ مُنْكَرُونَ) (مهمانان را شناخت)
- ۱۰) از مهمانان ناشناس نیز پذیرایی کنیم. (قَوْمٍ مُنْكَرُونَ فَرَاغَ إِلَى أَهْلِهِ ...)
- ۱۱) آشپزخانه نباید در معرض دید مهمان باشد. (فَرَاغَ إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ ...)
- ۱۲) زن و مرد در تهیه غذا و پذیرایی از مهمان، مشارکت کنند. (فَرَاغَ إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ)
- ۱۳) میزبان باید نسبت به پذیرایی از میهمان و حالات او حسّاس باشد فَقَرَّبَهُ.. قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ
- ۱۴) فرشته حتی اگر به صورت انسان در آید، غذا نمی‌خورد. (قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ)

سلام (وداع) با جاهلان



۲۴- وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَ قَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ
لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ (قصص ۵۵)

چو لغوی نیوشند خود از عدو
ز گفتار آنان بتابند رو
بگویند اعمال ما بهر خویش
شما راه خود را بگیرد پیش
سلامت بمانید ما هیچگاه
نسازیم با جاهلان طی راه

نکته ها: سلام در آیه معنی وداع دارد همانطور که بین اعراب متداول است .

در آیهی قبل خداوند به کسانی که در راه او صبر کنند و بدیها را با خوبی پاسخ دهند و از اموالشان در راه خدا بخشند، پاداشی دو برابر وعده داد، این آیه به یکی از نمونههای صبر و برخورد های خوب، اشاره می فرماید.

(لغو) یعنی امر بیهوده که هم در کلام و هم در عمل قابل بروز است و مؤمنان به اعراض از آن سفارش شده‌اند.

(لَا لَعُوٌّ فِيهَا وَلَا تَأْتِيْمٌ) از جمله ویژگی‌های بهشت آن است که لغو و بیهودگی در آنجا نیست.

(مُدارا)، کوتاه آمدن از موضع قدرت است، نظیر پدری که دست کودکش را در دست دارد و قدرت بر تند رفتن دارد، ولی آهسته راه می‌رود؛ اَمَّا (مُداهنه)، کوتاه آمدن از موضع ضعف است.

نظیر بسیاری از رؤسای کشورها که به خاطر نداشتن شجاعت، در اختیار ابرقدرت‌ها قرار دارند.

انبیا و اولیای الهی با مردم مدارا می‌کنند؛ اَمَّا در برابر کفر مداهنه نمی‌ورزند.

از صفات مومنان و عباد الرحمن در سوره ی مومنون اعراض از لغو می باشد (وَ الَّذِيْنَهُمْ عَنِ اللّٰغُوِّ مُعْرِضُوْنَ) «شیخ طوسی» گویند: این آیات درباره عبدالله بن سلام و تمیم الدّاری و جارود العبّدی و سلمان فارسی نازل گردیده، هنگامی که مسلمان شده بودند.

در صدر اسلام و در شهر مکه، وقتی گروهی از مردم، ندای توحید را با جان و دل پذیرا شدند، با سرزنش‌های جاهلانه مخالفان اسلام روبرو گردیدند؛

خداوند متعال، در این ایه، وظیفه یک مسلمان را برابر رفتار جاهلان بیان می‌کند.

«**ضرورت پرهیز از لغو**» محیط شهر مکه، برای تازه مسلمان ها علاوه بر شکنجه و تهدید، با سرزنش و بیهوده گویی مخالفان اسلام همراه بود.

قران کریم در چنین محیط شرک آلودی اصل ضروری نهی از منکر را وظیفه یک مسلمان می داند و از او می خواهد با اعراض و دوری از لغو، به نهی از منکر برخیزد (وَ إِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ).

طبق این آیه، مسلمانان صدر اسلام، با تعیین مسیر زندگی خود برابر بیهوده گویی دشمنان می گویند:

«مسئولیت کارهای ما بر عهده ما است و عواقب کارهای شما نیز بر عهده خودتان می باشد.

سلام وداع ما بر شما. ما از رفتار جاهلانه شما دری جستیم و بیزار هستیم.

پیام ها

(۱) مؤمن واقعی کسی است که نه تنها به مجلس لغو نمی رود و به سخن لغو گوش نمی دهد، بلکه اگر کلام بیهوده ای هم شنید، عکس العمل نشان می دهد. (وَ إِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ)

(۲) یکی از نمونه های صبر، بی اعتنایی به لغو و اعراض از آن است **صَبَرُوا- أَعْرَضُوا عَنْهُ**

۳) اعراض از لغو در گفتن، شنیدن، دیدن و معاشرت، کمالی است که در همه‌ی ادیان الهی از آن ستایش شده است. (سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ) (آیه فوق در توصیف گروهی از اهل کتاب است).

۴) از شیوه‌های عمومی و ساده‌ی نهی از منکر، اعراض از منکر است. (سَمِعُوا ... أَعْرَضُوا عَنْهُ) (لغو را با لغو پاسخ نگوئیم).

۵) انسان در برابر آنچه می‌شنود، مسئول است. (سَمِعُوا ... أَعْرَضُوا)

۶) قاطعیّت، صلابت و عدم سازش، نشانِ ایمان راسخ است. (لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ)

۷) سود و زیان عمل هر کس به خود او برمی‌گردد.

۸) اعراض، باید کریمانه باشد. (أَعْرَضُوا ... سَلَامٌ عَلَيْكُمْ)

۹) اعراض باید همراه هشدار به اهل لغو باشد. (أَعْرَضُوا ... لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ)

۱۰) لغو، میوه‌ی جهل و بیهوده‌گو، جاهل است. (لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ)

سلام خدا بر نوح علیه السلام

سَلَامٌ عَلَى نُوْحٍ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ

(۲۵) قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أُمَّمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ وَأُمَّمٌ سَنُتَعْتِبُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (هود: ۴۸)

به نوح خطاب شد :

پس آنگه بر او خواند یزدان درود	که ای نوح باز از کشتی فرود
ز ما بر تو هم رحمت و هم سلام	همین گونه بر پیروانت تمام
هرآن ملتی را که شد بت پرست	بر عصیان و بر ظلم آغشت دست
اگرچه به دنیا تمتع دهیم	بر آن کامرانی بساطی نهیم
و لیکن سرانجام بعد از هلاک	عذابی بر آنها رسد دردناک

دستور (هبوط)، هم درباره‌ی حضرت آدم (علیه السلام) و هم در مورد حضرت نوح (علیه السلام) آمده و به دنبال آن، مردم به دو دسته‌ی مؤمن و کافر تقسیم شده‌اند منظور از (امت‌هایی) که با نوح بودند، یا هر نفر از همراهان آن حضرت است که بعدها سر سلسله قبیله‌ای شدند . و یا اینکه مراد، هر کدام از مؤمنانی است که سوار کشتی شده و از یک قبیله‌ای بودند.

در واقع خدا به نوح و همراهانش اطمینان خاطر و بشارت (سلام) سلامتی از عذاب را میدهد که از کشتی فرود آید با سلامتی. که از سیل و طوفان نجات یافته آید.

پیام ها:

(۱) زندگانی پس از آن سیل فراگیر، با دو خطر عمده روبرو بود، یکی آلودگی‌ها و تلاقی بودن زمین که با کلمه‌ی (بِسْلَامٍ) و وعده‌ی سلامتی بر طرف شد و دیگر نابودی انواع گیاهان که با وعده برکات تأمین گردید. (بِسْلَامٍ مِّنَّا وَ بَرَكَاتٍ عَلَیْكَ)

(۲) اگر چه خداوند در مواردی موعظه می‌کند، هشدار می‌دهد و یا حتی فرزند بی‌دین را در مقابل چشمان پدر غرق می‌سازد، اما در جای خود، سلام و برکات خویش را نیز نثار می‌کند.

(۳) آنچه مؤمن از نعمت‌های الهی دریافت می‌کند، سلامت و برکت است، ولی دریافت کافر از نعمت‌ها جنبه‌ی متاع بودن آن است، پس هر متاع و کامیابی، نعمت و برکت نیست، بلکه نعمت، آن دریافتی است که عاقبت خوب هم داشته باشد.

(۴) خداوند متاع دنیا را از کفار دریغ نمی‌کند. (سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ یَمْسُكُهُمْ)

(۵) این سنّت خداوندی است که ابتدا نعمت و مهلت می‌دهد، سپس به پاداش یا کیفر می‌رساند. (سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ یَمْسُكُهُمْ)

(۶) مهر و قهر، هر دو از اوست. (بِسْلَامٍ مِّنَّا ... یَمْسُكُهُمْ مِّنَّا)

(۷) خداوند نوح را به پدید آمدن جامعه‌ها و امت‌هایی کافر، از نسل مؤمنانی که سوار کشتی شدند، خبر داد. (وَ اُمَّمَّ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ یَمْسُكُهُمْ مِّنَّا عَذَابُ اَلِیْمٍ)

کشتی سازی نوح (علیه السلام) از آیات سوره هود برمی آید که خدای تعالی به آن جناب دستور داد تا کشتی را با تایید او بسازد و آن جناب شروع به ساختن آن کرد که مردم دسته دسته از محل کار آن جناب گذشته و او را مسخره می کردند، چون کشتی آب می خواهد و کشتی سازی باید در لب دریا باشد و آن جناب این کار را در بیابانی بدون آب انجام می داد و همین باعث می شد که مردم او را مسخره کنند و آن جناب در پاسخشان می فرمود: اگر امروز شما ما را مسخره می کنید بزودی خواهید دید که ما شما را مسخره می کنیم و بزودی خواهید فهمید که کسی که دچار عذاب گردد خوار و ذلیل و بیچاره می شود و عذابی که می آید عذابی است مقیم و غیرقابل زوال. و نیز از دو سوره هود و سوره مومنون برمی آید که خدای عزوجل برای نزول آن عذاب، علامتی قرار داده بود و آن این بوده که آب از تنوری بالا می زند.

بعثت و رسالت نوح (علیه السلام) در زمان نوح علیه السلام فساد در زمین شایع گشت و مردم از دین توحید و از سنت عدالت اجتماعی روی گردان شده و به پرستش بت ها روی آوردند.

فاصله طبقاتی روز به روز بیشتر شد و آن هایی که از نظر مال و اولاد قوی تر بودند حقوق ضعیفان را پایمال کردند و جباران، زیردستان را به ضعف بیشتر کشانیده و طبق دلخواه خود بر آنان حکومت کردند. در این زمان بود که خدای تعالی نوح (علیه السلام) را مبعوث کرده و او را با کتاب و شریعتی به سوی آنان گسیل داشت تا از راه بشارت و انذار، به دین توحید و ترک خدایان دروغین دعوتشان نموده مساوات را در بینشان برقرار سازد.

سلام و اجازه ی ورود



۲۶- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (سوره نور آیه ۲۷)

بدون اجازه ز صاحب سرا	مبادا به بيتی گذاريد پا
مگر خانه باشد از آن شما	که بی اذن رفتن باشد روا
چو داخل بگشتيد اول کلام	نماييد بر اهل منزل سلام
که اين کار بهر شما بهترست	الا اي که هستيد يزدان پرست
بگرديد يادآور اين سخن	ز خرد و جوان و ز پير و کهن

معنای (استیناس)، اجازه خواستن و اعلام ورود است که به گفته‌ی روایات می‌تواند با ذکر خدا باشد و یا با سلام کردن و امثال آن.

شخصی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) پرسید: آیا برای ورود به منزل مادرم اجازه بگیرم؟ فرمود: بله، گفت: در خانه جز او کسی نیست و جز من خادمی ندارد! حضرت فرمود: آیا دوست داری مادرت را بدون لباس مناسب ببینی؟ گفت نه.

فرمود: پس اجازه بگیر. در روایتی دیگر، پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ورود مردان به خانه زنانی که همسران آنان حضور ندارند نهی فرمود.

در روایات می‌خوانیم: اجازه گرفتن برای ورود به خانه دیگران سه مرتبه باشد تا اهل خانه فرصت جمع و جور کردن خود را داشته باشند. و برای نجات غریق و مظلوم و مورد آتش سوزی، اجازه لازم نیست.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) هرگاه می‌خواست وارد منزلی شود، برای اجازه گرفتن، روبروی در خانه نمی‌ایستاد تا نگاه مبارکشان به داخل خانه نیفتد.

پیام ها

- ۱) اهل ایمان، در امور زندگی باید از وحی الهی دستور بگیرند. (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا)
- ۲) امنیت و آزادی برای ساکنین خانه باید حفظ شود. (لا تَدْخُلُوا) (ورود سرزده به حریم دیگران، حرام است.)
- ۳) از مواضع تهمت دوری کنید. باز بودن در خانه، دلیل جواز ورود نیست. مالکیت افراد محترم است.
- ۴) برخورد مؤمنان با یکدیگر، باید با محبت همراه باشد. (تَسْتَأْنِسُوا وَ تُسَلِّمُوا)
- ۵) از هر کاری که موجب شکستن حریم حیا و حجاب می‌شود، دوری کنید
- ۶) وارد شونده باید سلام کند، هر که باشد. (تُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا) (سلام کردن لازم نیست از کوچکتر به بزرگتر باشد.)
- ۷) مراعات ادب و حق دیگران، سرچشمه‌ی سعادت بشر است. (ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ)

۸) دستورات الهی را فراموش نکنیم و به یاد داشته باشیم. (لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ)
۹) آداب و اخلاق دینی، همان ندای فطرت است، که مورد غفلت قرار گرفته و باید با تذکر بیدار کنیم. (تَذَكَّرُونَ)

تفسیر المیزان - خلاصه

اجازه برای ورود: (فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكىٰ لَكُمْ وَ اللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ) (پس اگر کسی را در آنجا نیافتید، وارد نشوید تا زمانیکه به شما اجازه داده شود و اگر به شما گفته شد که باز گردید، بازگشته و وارد نشوید، که این برای شما پاکیزه تر است و خداوند به آنچه انجام می دهید داناست) یعنی اگر پس از استیناس و سلام کردن، کسی جواب شما را نداد و دانستید که کسی در خانه نیست داخل آن نشوید، مگر اینکه از جانب مالک به شما اذن داده شده باشد، همه این دستورات برای جلوگیری از افشای اسرار مردم است. و در ادامه می فرماید: اگر کسی در خانه بود ولی به شما اجازه ورود نداد، در این صورت وارد نشوید و باز گردید، که البته این عمل بهتر است و کرامت شما را حفظ می کند. در این آیه با جمله دیگری این دستور تکمیل می شود: پس اگر کسی را در آن خانه وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود. ممکن است منظور از این تعبیر آن باشد که گاه در آن خانه کسانی هستند ولی کسی که به شما اذن دهد و صاحب اختیار باشد حضور ندارد شما در این صورت حق ورود نخواهید داشت. سپس اضافه می کند «و اگر به شما گفته شود باز گردید (این سخن را پذیرا شوید و) باز گردید، که برای شما بهتر و پاکیزه تر است» و هرگز جواب رد، شما را ناراحت نکند.

سلام به هنگام ورود به خانه (۲)



۲۷- فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (نور آیه ۶۱)

چه شایسته باشد که وقت ورود
بگویند خود همدگر را درود
که نیکو بود گفتن این کلام
تحیت ز یزدان بود در سلام
خدا روشن آیات سازد بیان
که اندیشه سازید شاید در آن

در اینجا سلام، تحیتی از جانب خدا و مبارک و طیب معرفی شده است. آنگاه به ذکر مسأله ادب هنگام ورود می پردازد و می فرماید هنگام ورود بر خودتان سلام کنید، یعنی بر هر کسی که داخل خانه باشد، سلام کنید چون مسلمانان همه با هم یکی هستند و خدا همه آنها را از یک نسل واحد آفریده و همه ایشان در عقیده و ایمان یکی هستند. از همین عبارت استفاده می شود که وقتی کسی بر خانه ای وارد می شود سلام کند و اهل خانه نیز جواب سلام او را بدهند و این سلام، تحیتی از ناحیه خداست که او آن را تشریح کرده و حکمش را نازل فرموده و سلام درودی مبارک و دارای خیر بسیار و باقی و طیب است .

چون با نفس بشر سازگار و ملائم می باشد و باعث گسترش امنیت و سلامتی می گردد و امنیت و سلامتی پاکیزه ترین چیزی است که باید میان دو نفر که به یکدیگر برمی خورند، برقرار باشد.

و خدا این چنین احکام دینی را بیان می کند تا شاید مردم به معالم دین خود آگاهی بیابند و به آن عمل کنند.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: هنگامی که شخصی وارد خانه می شود و بر اهل آن سلام می کند و آنان جواب دهند، این سلام بر خویشان است.

خانه ی فرزند در این آیه نیامده است، شاید به خاطر این که این مورد، روشن و مسلم است. در حدیث می خوانیم: (أَنْتَ وَ مَالِكَ لِأَبِيكَ) تو و مالت از آن پدرت می باشی.

۱) سلام کردن، از آداب ورود به منزل است. (فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا)

۲) سلام، ادبی آسمانی، مبارک و پسندیده است. (تَحِيَّةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ)

۳) سلام کردن، در خیر و برکت زندگی مؤثر است. اهل خانه به منزله ی جان شما هستند.

۴) مرز حق و حقوق را باید خداوند تعیین فرماید. (يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ) در احکام الهی باید اندیشید. (لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ)

سلام به مومنان



۲۸- وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (انعام ۵۴)

هرآنکه که جویندگان خدا	بیایند نزد تو ای مصطفی
بگو بر شما باد اکنون سلام	ز ما و ز یزدان والامقام
خدا فرض کردست بر خویشان	کند رحمتی عام بر مرد و زن
کسی از شما گر کند کار زشت	ولی بعد از آن خط توبه نوشت
در این حال البته رب جهان	ببخشاید او را، بود مهربان

در شأن نزول آیه آمده، جمعی گنهکار، خدمت پیامبر آمده و گفتند: ما خلاف‌های زیادی کرده‌ایم. حضرت ساکت شد. این آیه نازل شد. در این سوره، خداوند دوبار جمله‌ی: «كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ» گفته،

یکی برای دلگرم کردن مؤمنان در همین دنیا (همین آیه)، یکی هم در آیه‌ی ۱۲ که برای معاد است. (كُتِبَ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةُ لِيَجْمَعَٰنَكُمْ)

امام صادق فرمود: مراد از (جهالة) جهل به زشتی باطن گناه است که شامل همه گناهکاران می‌شود.

۱) ایمان زائر پیامبر خدا، از شرایط دریافت لطف الهی است. (وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ)

۲) زیارت پیامبر، راه دریافت لطف خداست. رابطه‌ی رهبر و مردم، بر پایه‌ی انس و محبت است. (وَ إِذَا جَاءَكَ ... فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ)

۳) بهترین عبارت تحیت، (سَلَامٌ عَلَيْكُمْ) است. تحقیر شدن مؤمنان را جبران کنید. (در آیه‌ی ۵۳) متکبران با لحن تحقیرآمیزی می‌گفتند:

(أَهُؤُلَاءِ ...) ولی در (آیه‌ی ۵۴) خداوند آن تحقیر را جبران می‌کند و به پیامبرش دستور سلام کردن به مؤمنان را صادر می‌کند. (فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ)

۴) (سلام)، شعار اسلام است. بزرگ نیز به کوچک، سلام می‌کند. مربّی و مبلّغ، باید با برخوردی محبت‌آمیز با مردم، به آنان شخصیت دهد.

۵) اگر گناه از روی لجاجت و استکبار نباشد، توبه قابل پذیرش است.

خدا، رحمت را بر خویش واجب کرده؛ ولی شرط دریافت آن، عذرخواهی و توبه است. (كُتِبَ ... ثُمَّ تَابَ) توبه‌ی مؤمن حتماً پذیرفته می‌شود.

سلام ابراهیم به آزر بت پرست



۲۹- قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا (مریم ۴۷)

دگرباره گفتا که بادت سلام ز من گوش کن ای پدر این کلام

ز یزدان بخواهم تو را مغفرت که در حق من دارد او مرحمت

پاسخ ابراهیم در تهدید پدرش که او را در برابر دعوت به ترک بت پرستی به سنگسار تهدید کرد.

کلمه‌ی (حَفِيًّا) به کسی گفته می‌شود که کمال نیکی و گرمی‌داشت را در حق دیگری دارد و گاهی به معنای عالم است .

در این آیات، روحیات مؤمن و کافر در گفتگوها به خوبی به چشم می‌خورد:

الف: ابراهیم عاطفی حرف می‌زند و عمویش با خشونت، ابراهیم چهار بار می‌گوید:

(يا أَبَتِ) ولی عموی بت‌پرستش حتی یک بار نگفت: (يا بُنَيَّ)

ب: ابراهیم با استدلال حرف می‌زند، اما آزر بی‌دلیل سخن می‌گوید.

ابراهیم می گوید: (لَمْ تَعْبُدْ مَا لَا يَسْمَعُ) عمو می گوید: (آلِهَتِي) ابراهیم، دلسوزانه حرف می زند، اما آزر با تهدید جواب می دهد.

ج: ابراهیم، سلام می کند، اما آزر دستور فاصله گرفتن می دهد. (وَ اهْجُرْنِي)

کم مباش از درخت سایه فکن هر که سنگت زند ثمر بخشش

استغفار حضرت ابراهیم، برای عمو بت پرستش به خاطر آن بود که احتمال هدایت شدن او را می داد.

(سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ) ولی همین که از هدایت عمو مایوس شد، از او براءت جست.

قرآن می فرماید: (وَ مَا كَانَ اسْتِغْفَارُ اِبْرَاهِيمَ لِابْنِهِ اِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا اِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ اَنَّهُ عَدُوٌّ لِلّٰهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ) می فرماید: ابراهیم هم اگر برای پدر مشرکش طلب آمرزش کرد به جهت آن بود که در آغاز می پنداشت که او دشمن خدا و معاند نیست لذا از روی عاطفه پدر و فرزند برای پدرش طلب استغفار می نمود،

اما زمانی که برایش قطعی و مسلم گشت که او دشمن خداست و بر شرک و گمراهی خود اصرار دارد و از ایمان به خدا تکبر می ورزد، آنگاه از پلیدی شرک، نفس خود را مبرا نموده و از پدرش بیزاری جست.

و از آنجا که ابراهیم خداترس بود و بسیار به درگاه خدا ناله می نمود، لذا به پدرش وعده نیکی و آمرزش می داد و به جهت آنکه شخصی بردبار بود، در برابر جفای پدر تحمل به خرج داده و بازهم برایش طلب خیر و نیکی می نمود (سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي اِنَّهٗ كَانَ بِي حَفِيًّا) :

الف) از پروردگرم برای تو آموزش خواهم خواست برآستی که او نسبت به من
مهربان است.

ب) پروردگار او را ببخشای برآستی که تو نسبت به من مهربان هستی.

ج) از پروردگارش برای تو آموزش خواست زیرا که پروردگارش بسیار مهربان است.

د) پروردگرم تو را خواهد آمرزید زیرا او نسبت به ما مهربان بوده است.

۱) مردان خدا در برابر تهدید و تحقیر دیگران، صبور و دریا دلند. (قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ)

۲) سعی کنیم آتش خشم دیگران را با سلام و سخنان زیبا و آرام بخش، خاموش کنیم.
(لَأَرْجُمَنَّكَ ... قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ)

۳) استغفار انبیا و اولیا، آثار خاصی دارد. (وگرنه وعده‌ی استغفار نقش مهمی ندارد.)

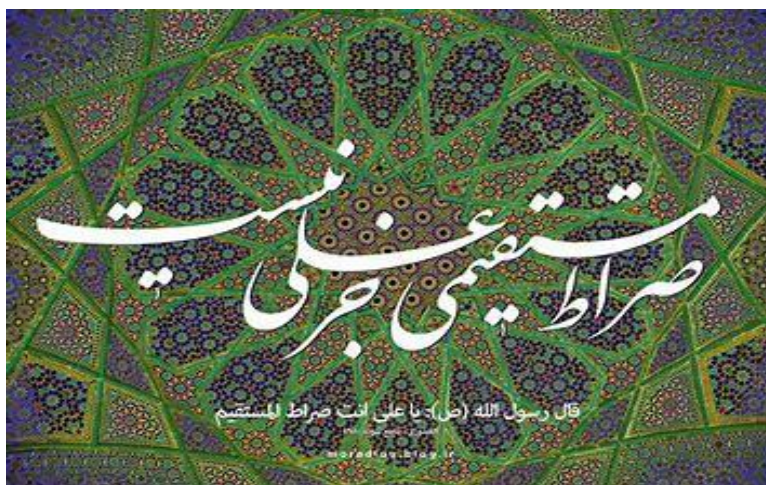
۴) قبول عذرخواهی، از شئون ربوبیت است. (سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي)

۵) برای استغفار، زمان‌های خاصی اولویت دارد. (سَأَسْتَغْفِرُ) یعنی در زمان مناسب
دعا خواهم کرد.

۶) از آداب دعا توجه به ربوبیت خداوند است. (رَبِّي)

۷) در برابر تهدیدهای مخالفان، به یاد الطاف خدا باشیم. (إِنَّهُ كَانَ بِحَفِيَّا)

راه های امن سلام و سلامت



۳۰) قَدْ جَاءَكُمْ مِّنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُّبِينٌ . يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (مائده ۱۶)

که نوری عظیم و کتابی مبین	ز یزدان بیامد که جوئید دی
هدایت نماید خدا با کتاب	هرآن کس ره او کند انتخاب
هم از بهر خشنودی کردگار	به راه سلامت نماید گذار
کند خارج او را ز جهل و خطا	سوی روشنائی شود رهنما
شود رهبر او را به آیین راست	جز این راه هر راه دیگر خطاست

قرآن انسان های علاقه مند به خشنودی خدا و جلب رضایت خالق را به راه های سلامت و امن دعوت میکند.

این راه ها همگی به صراط مستقیم وصل میشوند
تا فرد هدایت شده را در نهایت به دارُ السَّلام برسانند.

هدایت دارای مراتبی است:

یک مرحله، هدایت عمومی برای همه‌ی انسان‌هاست، خواه پیروی کنند یا نکنند و نوع دیگر مخصوص کسانی است که هدایت عمومی را پذیرفته باشند.

این آیه نوع دوم را بیان می‌کند. سلام، یکی از نام‌های خداست، (السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ...) و یکی از نام‌های بهشت هم (دَارُ السَّلَامِ) است. پس راه‌های سلام، یعنی راه خدا و بهشت که رسیدن به آن دو از (سُبُلِ السَّلَامِ) و صراط مستقیم می‌گذرد.

(سُبُلِ السَّلَامِ)، شامل راه‌های سلامت فرد و جامعه، خانواده و نسل، فکر، روح و ناموس و ... می‌شود. مصداق روشن پیروان رضوان خدا در (مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ)، پویندگان خط (غدیر خم) اند، چون آیه‌ی (رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا) بعد از نصب علی بن ابی طالب (علیه السلام) به مقام جانشینی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نازل شد.

۱) کسانی قابل هدایتند که در پی تحصیل رضای حق باشند، نه دنبال مقام و مال و هوای نفس و انتقام. (يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ) انسان، خود زمینه‌ساز هدایت خویش است.

۲) هدایت به راه‌های سلامت و سعادت، در گرو کسب رضای خداست و هر کس در پی راضی کردن غیر او باشد، در انحراف است. (يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلِ السَّلَامِ)

۳) راه حق یکی است و راه‌های باطل (شرک، کفر، نفاق و تفرقه و ...) متعدد.

کلمه‌ی (نور) مفرد؛ ولی (ظلمات) جمع آمده.

آری، همه‌ی نیکی‌ها و پاکی‌ها در پرتو نور توحید، یک حالت وحدت و یگانگی به خود می‌گیرد، اما ظلمت همیشه مایه‌ی تفرقه و پراکندگی صفوف است.

۴) هدف، یکی است؛ ولی راه‌های رسیدن به آن متعدد است.

(سُبُلَ السَّلَامِ) مکتب وحی، سلامت و سعادت فرد و جامعه و روح و جسم را تضمین کرده است. بشر در سایه‌ی قرآن، به همزیستی و صفا در زندگی می‌رسد.

۵) (سُبُلَ السَّلَامِ) به (صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ) منتهی می‌شود، و همه‌ی کسانی که با انجام تکالیف گوناگون در شرایط مختلف، در پی کسب رضای خداوند می‌باشند، به صراط مستقیم می‌رسند. (يَهْدِي ... سُبُلَ السَّلَامِ ... يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ)

۶) برای رسیدن به صراط مستقیم، تنها پیامبر و کتاب کافی نیست، لطف و اراده‌ی خدا هم لازم است.

۷) نه جبر، نه تفویض؛ بلکه امر بین الامرین. انسان انتخاب‌گر است؛ (اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ) اما رسیدن به هدف بدون اراده‌ی خدا نمی‌شود. (بِإِذْنِهِ)

۸) قرآن، داروی شفابخش همه ظلمات است. تاریکی‌های: جهل، شرک، تفرقه، توخّش، شبهات، شهوات، خرافات، جنایات و اضطراب‌ها را به نور علم، توحید، وحدت، تمدن، یقین، حقّ، صفا و آرامش تبدیل می‌کند. (يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ)

سلام بر سه روز مهم



۳۱- وَ سَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا (مریم آیه ۱۵)

در آن روز کو آمدی در حیات به روزی که بسپرد جان بر ممات

به روزی که بهر حیات ابد برانگیخته می شود از لحد

سلام خداوند بادا بر او نکوبنده ای بود پاکیزه خو

در خصوص زکریا و عیسی، همانطور که در این آیه ذکر شده، سلام خدا در سه مرحله وارد شده. هنگام تولد، هنگام قبض روح و فوت، و هنگام حشر در قیامت هر سه این مواقع خوفناک ترین لحظات هر فرد است که خداوند با سلام خود، سلامت و اطمینان خاطر را به حضرت زکریا و عیسی بشارت داده است.

وَ سَلَامٌ عَلَيْهِ : درودش باد. سالم و در امان خواهد بود از اذیت و آزار و هول و هراس تمام مراحل زندگی. حَيًّا : زنده. حال است و جنبه تأکید دارد.

خداوند در این آیات، اوصاف گوناگونی را درباره حضرت یحیی برشمرده است:

او در پیشگاه خداوند پرهیزکار بود، (تَقِيًّا) نسبت به والدین نیکوکار بود،

(بَرًّا) و در برابر مردم، سرکش و عصیانگر نبود. (لَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا)

توجه : مراد از سلامت هنگام مرگ، سلامت عقیده و با ایمان مردن است. و از روزی که زاده شد، قرین سلامت و از آفت ها پیراسته بود، و مقرر کردیم که به هنگام مرگش و در عالم برزخ نیز گزند نبیند، و روزی که زنده برانگیخته می شود نیز حیاتی پاک داشته باشد و هیچ رنجی به او نرسد.

۱) مقام و منصب، ما را از یاد والدین غافل نکند، پیامبر هم باید نسبت به والدین نیکی کند. (وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ)

۲) نیکی به پدر و مادر، نمودار تقوای الهی است. (كَانَ تَقِيًّا وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ)

۳) آن نیکی به والدین مورد ستایش است که در آن هیچ گونه نافرمانی و سلطه جویی نباشد. (بَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَ لَمْ يَكُنْ)

۴) ترک نیکی به والدین، نشانه‌ی عصیان و سرکشی است. (وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا)

۵) سلام و درود فرستادن بر اولیای خدا مخصوص زمان حیات آنان نیست یَوْمَ وُلِدَ...

۶) سلام کردن، نشانه‌ی کوچکی نیست، زیرا خدای بزرگ هم سلام می کند (سَلَامٌ عَلَيْهِ)، (سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ) و (سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ)

۷) یحیی تمام فراز و نشیب‌ها را با سلامت دین و ایمان به خدا سیر کرد. (سَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ....)

- ۸) گرامیداشتِ روز تولّد و یادبود روز وفاتِ اولیای خدا، امری قرآنی است.
- ۹) خواندن زیارت‌نامه که سلام بر اولیای خدا در طول زندگی، امری قرآنی است.
- ۱۰) کلید سالم زندگی کردن و سالم مردن و سلامتی در قیامت، تقوا، نیکی به والدین و پرهیز از گناه و طغیان است *كَانَ تَقِيًّا وَ بَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَ لَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا وَ سَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ...)*

تفسیر المیزان - خلاصه

(سلام) یعنی امن و خالی بودن از هرچه مایه ترس و کراهت است و اینکه سلام را نکره آورده برای دلالت بر تعظیم آن است. می فرماید: در این سه موضع سلامی عظیم و فخیم بر او باد که این ایام هر یک ابتدای یکی از عوالم است، «یعنی روزی که متولد می شود»، خداوند او را از هر مکروهی که با سعادت دنیویش ناسازگار باشد ایمن نموده «و روزی که می میرد» و زندگی برزخی را شروع می کند نیز او را قرین ایمنی و سلامت کرده «و روزی که دوباره زنده می شود» و به حقیقت حیات در عالم آخرت می رسد او را سالم و ایمن کرده تا هرگز دچار تعب و اندوه نگردد.

بعضی مفسران، قید (حیا) را دال بر این دانسته اند که آن حضرت شهید از دنیا می رود، چون خدای متعال در باره شهداء فرموده *(بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ)*، بلکه زنده اند و نزد پروردگارش روزی می خورند. و اختلاف در تعبیر *(وُلِدَ)* و *(يَمُوتُ)* و *(يُبْعَثُ)* که اولی را به صیغه ماضی و دوتای دیگر را با صیغه مضارع آورده است برای دلالت بر این مطلب می باشد که سلام و امن در حال حیات دنیوی آن حضرت بر او فرستاده شده، نه در عصر رسول خدا.

سلام بر هدایت شدگان



۳۲- فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَا تُعَذِّبُهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ
بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَ السَّلَامُ عَلٰى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدٰى (طه آیه ۴۷)

کنون هر دو بر سوی او می روید بدین گونه سرگرم صحبت شوید

بگوئید خود پیک حقیم ما فرستاده گشته ز یکتا خدا

کزین پس دگر بر بنی اسریل ستمها نسازی ز هر سو گسیل

به ما واگذاری ازاین پس دگر تعدی نسازی از این بیشتر

همانا که با حجت آشکار فرستاده گشتیم از کردگار

بر آن کس از ایزد ببادا سلام که از حق اطاعت نماید تمام

إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ كَذَّبَ وَ تَوَلَّى (۴۸) (به او بگوئید:) همانا به ما

وحی گردیده که عذاب بر کسی است که (آیات الهی را) تکذیب کند (و از آنها)

سریچی نماید.

چون ارشاد و تبلیغ سران ستمگر و هدایت آنان کار بسیار سخت و مهمی بوده است، لذا خداوند فرمان حرکت به سوی فرعون را تکرار می‌فرماید: (اَذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ)، (اَذْهَبْ أَنْتَ وَ أَخُوكَ)، (اَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ)، (فَأْتِيَاهُ).

در این آیات به سه رکن اعتقادی؛ یعنی توحید، نبوت و معاد اشاره شده است: (رَبِّكَ أَوْحَىٰ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ)

خداوند، دستورالعمل مأموریت موسی و هارون علیهما السلام را در پنج مرحله تنظیم فرموده است:

الف: رفتن. (فَأْتِيَاهُ) ب: گفتن. (فَقُولَا)

ج: دلیل آوردن. (جِئْنَاكَ بِآيَةٍ)، د: تشویق. (و السَّلَامُ عَلَىٰ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ)

ه: تهدید. (أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَنْ كَذَّبَ وَ تَوَلَّىٰ).

۱) کارهای ارشادی و تبلیغی باید بدیع و تهاجمی باشد، نه تدافعی. (فَأْتِيَاهُ)

۲) رسالت انبیا از شئون ربوبیت خداوند است. (رَسُولًا رَبِّكَ)

۳) غرور مستکبران را بشکنید. (رَبِّكَ) در مقابل کسی که می‌گوید: (أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَىٰ)

۴) سخن با نرمی و لطافت، منافاتی با قاطعیت و صراحت ندارد. (إِنَّا رَسُولًا رَبِّكَ)

۵) آزادسازی انسان‌ها از ستم و بردگی طاغوت، در رأس وظایف انبیاست. (فَأَرْسِلْ

مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ)

آری دین از سیاست جدا نیست، مبارزه با طاغوت‌ها و آزاد کردن مردم در متن دستورات الهی است.

۶) هجرت از محیط ظلم و گناه، مقدمه نجات است. ابتدا آزادی، سپس ایمان.
۷) مبارزه با طاغوت و آزادی مردم زمانی ارزش واقعی و همه جانبه دارد که در خط انبیا باشند.

۸) آزار و شکنجه‌ی مردم، ممنوع است. (لَا تُعَذِّبُهُمْ) عملکرد مأموران، به حساب فرمانده و مسئول آنان نیز گذارده می‌شود. (لَا تُعَذِّبُهُمْ) با توجه به اینکه شخص فرعون، شکنجه‌گر تک‌تک مردم نبود.

۹) امنیتی و سلامتی کامل و جامع، تنها در پرتو پیروی از هدایت‌های الهی بدست می‌آید.

۱۰) سلام به طاغوت و ستمگران و کسانی که در مسیر هدایت نیستند، ممنوع است.
۱۱) آنچه مهم است پیروی از حق است. (اتَّبِعْ الْهُدَى) سلام دادن در پایان سخن، از آداب سخن است.

در این آیه مجددا دستور به رفتن نزد فرعون تکرار شده، البته بعد از وعده نصرت و امان و همچنین در اینجا رسالت آن دو را رسماً بیان فرموده و آن این است که نزد فرعون روند و او را به ایمان و دست برداشتن از عذاب بنی اسرائیل دعوت کنند و پیشنهاد نمایند که بنی اسرائیل را اجازه دهد تا با آنها به هر جا خواستند بروند،

ایشان با بیان اینکه رسول پروردگار هستند به فرعون فهماندند که پروردگار یکتا پروردگار او نیز هست، و وقتی الله، ربّ باشد دیگر ربوبیتی برای فرعون نخواهد بود. و در جمله (فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ) تکلیفی فرعی را متوجه شخص فرعون نمودند. و سپس با جمله (جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكَ) برای اثبات رسالتشان استناد به حجت کردند و با نکره آوردن آیت دلالت بر عظمت آیت و مبهم بودن عدد آن و وضوح دلالتش بر رسالت نموده اند.

و سپس در مقام خداحافظی و تحیت و برای اشاره به اینکه بگویند ما دیگر حرفی نداریم و رسالت ما همین بود که گفتیم، فرمودند:
درود بر آنکه از هدایت پیروی کند.

و این کلام خلاصه محتوای دعوت دینی است که دامنه سلامت تمامی افرادی را که هدایت و سعادت را پیروی می کنند، شامل می شود.

و چنین افرادی در مسیر زندگی به هیچ مکروهی بر نمی خورند، نه در دنیا و نه در آخرت.

سلام بر بندگان برگزیده



۳۳- قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ اللَّهُ خَيْرٌ مَّا يُشْرِكُونَ

بگو ای پیامبر که تنها خداست (نمل ۵۹) که بهر پرستش شما را سزااست

همانا که بر، برگزیده عباد تحیت ز یزدان بخشنده باد

ستایش یگانه خدا را سزااست و یا بت که بی روح و بی دست و پاست؟

در این آیه به عنوان نتیجه گیری از ذکر داستان های انبیاء خطاب به رسول خدا می فرماید: بگو ستایش مخصوص خداست، چون او مرجع تمامی خلقت ها و تدبیرهاست و هر فعل جمیلی را مطابق حکمتش انجام می دهد

و بگو سلام بر بندگان برگزیده ی خدا، چون در نزد آنها جز هدایت الهی و آثار جمیل چیزی نیست پس مانعی از تسلیم شدن به آنان و درود به ایشان وجود ندارد. (۱) مجازات مجرمان و نجات مؤمنان، از الطاف الهی است و باید شکر آن را به جای آورد. (فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ.....)

۲) شیوهی شکر را باید از خدا بیاموزیم. (قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ)

۳) ستایش بندگان خدا و سلام بر آنان، در کنار ستایش خدا مطرح است.

۴) به یاد خدا باشیم، (قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ) تا خدا هم یاد ما را زنده بدارد.

۵) یاد اولیای خدا را فراموش نکنید. (سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ) اولیای خدا زنده‌اند و سلام ما را دریافت می‌کنند.

۶) دل به خدا بسپاریم و بنده‌ی او شویم تا سلام خدا و رسول را دریافت کنیم.

۷) بندگی انسان، معیار گزینش الهی است. (عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ)

۸) با سؤال، وجدان‌ها را بیدار کنید. (اللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ)

در این آیه به عنوان نتیجه‌گیری از ذکر داستان‌های انبیاء خطاب به رسول خدا می‌فرماید: ای پیامبر نفس خود را آماده قبول هدایتی که نزد ایشان است و آثار حسنه آن، نما همچنانکه در جای دیگر به پیامبر می‌فرماید: (أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ اِقْتَدِهِ). آنان کسانی بودند که خدا هدایتشان کرد پس تو به هدایت آنان اقتداء کن.

و در آخر: خدا بهتر است یا آنچه شریک او می‌گیرند؟ یعنی وقتی همه ثناء و ستایش مخصوص خداست و اوست که بندگان شایسته خود را برگزیده، لذا او از آلهه‌ای که مشرکان می‌پرستند بهتر است، چون آن‌ها نه خالق هستند و نه مدبر و لیاقت حمد و ستایش را ندارند، زیرا هیچ خیری بدست آنها افزوده نشده است.

دَارُ السَّلَامِ (۱)



۳۴- لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ هُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (انعام ۱۲۷)

بر آنهاست دارالسلام خدا که آن خانه امن هست و صفا

بود دوست با آن کسان کردگار که بودند بسیار نیکوی کار

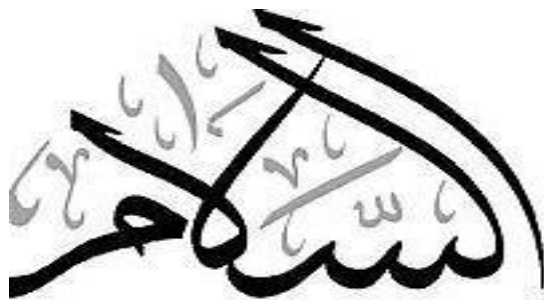
(۱) در بهشت، خشونت، رقابت، حسرت، تهمت، حسد، کینه، دروغ، اندوه و هیچ گونه مرگ و مرض و فقر راهی ندارد. (دَارُ السَّلَامِ)

(۲) برتر از نعمت امنیتی و سلامت، در سایه‌ی لطف مخصوص پروردگار بودن است. (دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ)

(۳) خداوند خود امور رهروان راه مستقیم را به عهده دارد. (وَ هُوَ وَلِيُّهُمْ)

(۴) رسیدن به ولایت الهی، در سایه‌ی عمل و تلاش انسان است. (وَ هُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ)

دارُ السَّلام (۲)



۳۵- وَ اللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (يونس ۲۵)

خدا هرکسی را که بخشد وجود بخواند به راه درستی و جود

ولی خویشتن هرکسی را که خواست هدایت نماید به آیین راست

(دارُ السَّلام)، یکی از نامهای بهشت است، زیرا در آنجا کینه‌ای در دل‌ها نیست، تا جنگ و جدال و بهره‌کشی پیش بیاید.

(وَ نَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ) سلام، نام خداست و دارالسَّلام، یعنی جوار رحمت الهی و جایی که کلام و درودشان سلام است و از خداوند هم به آنان سلام می‌شود. (سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ) در روایات، راه ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و رهبران معصوم آسمانی به عنوان بهترین نمونه‌ی راه مستقیم بیان شده است.

(۱) دعوت الهی، نشانه‌ی لطف خاصّ او بر بندگان است. (وَ اللَّهُ يَدْعُوا)

(۲) سلامتی دنیا گذراست، ولی سلامت آخرت، پایدار است. (دَارِ السَّلَامِ)

(۳) صراط مستقیم، مایه‌ی آرامش است و علاوه بر آخرت، همین دنیا را هم برای انسان دارالسلام می‌سازد. (يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ)

۴) زندگی و جامعه‌ای سالم، خاستگاه خداوند است. (يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ)

۵) خداوند، هم دعوت می‌کند و هم راه نشان می‌دهد. (يَدْعُوا، يَهْدِي)

۶) دعوت الهی برای همه است، ولی هدایت ویژه، مخصوص کسانی است که او بخواهد و خواست خداوند هم متوقف است بر آگاه‌سازی خود فرد يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ

۷) حرکت در صراط مستقیم، توفیق الهی می‌خواهد يَهْدِي ... إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

در سوره مبارکه (حمد) می‌خوانیم: (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ

عَلَيْهِمْ) عبارتند از: انبیاء، صدیقین، امامان، شهداء، اعمال و مؤمنان بسیار با

اخلاص. (من يطع الله و الرسول فاولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين و

الصدیقین و الشهداء) و آنان که خدا و رسول را اطاعت کنند البته با کسانی که

خداوند به آن‌ها لطف و عنایت کامل فرموده یعنی با پیامبران و صدیقان و شهیدان.

از آیه (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) می‌آموزیم:

۱) راه سعادت، صراط مستقیم؛ زیرا برخلاف راه‌های بشری که هر روز تغییر می‌کند،

ثابت و پایدار است؛ کوتاه‌ترین فاصله میان دو نقطه است؛ هیچ‌گونه انحراف و

انحنایی ندارد؛ در کوتاه‌ترین زمان، انسان را از مسیری مطمئن به مقصد می‌رساند.

۲) هم در انتخاب راه، و هم برای ماندن در راه مستقیم، باید از خدا کمک بخواهیم؛

زیرا همواره در معرض اشتباه و گمراهی هستیم. گمان نکنیم که اگر تابه‌حال در جاده

زندگی، دچار سقوط یا انحراف نشده‌ایم، بقیه مسیر را نیز سالم طی خواهیم کرد.

چه بسیار کسانی که عمری را با ایمان گذراندند؛ اما وقتی به پول یا مقام رسیدند،

خدا را فراموش کردند.

سلام به جاهلان

إِذَا خَاطَبْتَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا
و حکامی که با حاکم آنهارو مخاطب سازند (و سختمه
انخردن کویند) به آنها سلام می کویند (و یا بی رشتنایی
بزرگوار می گذرند).
سور فرقان، آیه ۶۳

۳۶. وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا
سَلَامًا فرقان ۶۳

کسانی که اندر تواضع زیند	عباد خداوند رحمان کی اند ؟
رهی از تواضع بگیرند پیش	گذارند چون در زمین گام خویش
به گفتار خوش می دهندش جواب	چو شخصی بر ایشان براند عقاب

نکته ها : این سلام مهارت نرم است در مقابله افراد نادان. در این آیات، دوازده صفت از صفات ویژه **عِبَادُ الرَّحْمَنِ** بیان شده که بعضی اعتقادی، بعضی اجتماعی و بعضی اخلاقی است. مراد از «مشی» و حرکت آرام در زمین، تنها نحوه‌ی راه رفتن نباشد، بلکه شیوه‌ی زندگی متعادل را هم شامل شود. «هون» هم به معنای تواضع و مدارا و نرمخویی است و هم به معنای سکینه و وقار. امام صادق (علیه السلام) فرمود: مراد از «هَوْنًا» زندگی کردن بر اساس فطرت و هماهنگی با روحیه‌ای است که خداوند آفریده است.

یعنی بندگان خدا، خود را به تکلف و رنج و تعب نمی‌اندازند. کلمه‌ی «سلام» در این جا به معنای سلام و داع با یاوہ‌ها و برخورد مسالمت‌آمیز است. چنانکه درباره‌ی حضرت ابراهیم (علیه السلام) می‌خوانیم: همین که عمویش او را طرد کرد و گفت: از من دور شو، ابراهیم گفت: (سَلَامٌ عَلَیْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ) خداحافظ، به زودی برای تو از پیشگاه خدا طلب آمرزش خواهم کرد.

۱) بالاترین مدال برای انسان، مدال بندگی خداست. «و عِبَادُ الرَّحْمَنِ» زیرا انتساب به بی‌نهایت، انسان را بالا می‌برد.

۲) رفتار هر کس، نشان دهنده‌ی شخصیت اوست. (عِبَادُ الرَّحْمَنِ ... يَمْشُونَ عَلَي الْأَرْضِ هَوْنًا) (بندگان خاص خداوند، مظهر تواضع هستند.)

۳) اسلام، دین جامعی است که حتی برای چگونه راه رفتن برنامه دارد (يَمْشُونَ... هَوْنًا)

۴) ایمان و اعتقاد انسان، در رفتار شخصی او مؤثر است. (عِبَادُ الرَّحْمَنِ ... يَمْشُونَ)

۵) تواضع، ثمره‌ی بندگی و نخستین نشانه‌ی آن است. «هَوْنًا»

۶) سرچشمه‌ی مدارا و نرمخویی بندگان خدا، ایمان است، نه ترس و ضعف آنان.

۷) وقار و نرمی از بارزترین صفات مؤمن است. (يَمْشُونَ ... هَوْنًا)

۸) تواضع نسبت به همه‌ی مردم لازم است. (نسبت کوچک و بزرگ، دانا و نادان).

۹) با جاهلان مقابله به مثل نکنید. (إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا)

۱۰) مُدَارَا و حلم و حوصله، از صفات بارز مؤمنان است. (قَالُوا سَلَامًا)

۱۱) تواضع باید هم در عمل باشد، (يَمْسُونَ ... هَوْنًا)، هم در کلام، (قَالُوا سَلَامًا) و هم در عبادت. (سُجَّدًا وَ قِيَامًا)

۱۲) با افراد نادان و فرومایه مجادله نکنید. (قَالُوا سَلَامًا) (آنان سخنی در شأن خود می گویند، ولی شما سخنی عالمانه و کریمانه بگویید)

تفسیر المیزان : عباد الرحمن، خضوع و تذللشان در برابر مؤمنین است نه کفار و دشمنان خدا، البته این در صورتی است که به گفته راغب کلمه «هون» به معنای تذلل باشد. و اما اگر آن را به معنای رفق و مدارا بدانیم معنای آیه این می شود که : مؤمنین در راه رفتنشان تکبر و تبختر ندارند . صفت دومی که برای مؤمنین آورده این است که، چون از جاهلان حرکات زشتی مشاهده می کنند و یا سخنانی زشت و ناشی از جهل می شنوند، پاسخی سالم می دهند، و به سخنی سالم و خالی از لغو و گناه جواب می گویند، شاهد اینکه کلمه سلام به این معنا است آیه **لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَ لَا تَأْتِيَمًا إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا** (و در آنجا سخن بیهوده و نسبت گناه به دیگری را نمی شنوند. سخنی جز سلام و درود نیست) می باشد، پس حاصل و برگشت معنای این کلمه به این است که : بندگان رحمان، جهل جاهلان را با جهل مقابله نمی کنند. در برخوردهای روزمره در خیابان و کلا اجتماع، اگر این اخلاق فرهنگ شود دوری از نزاع و صلح و صفا

فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ
مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ
قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكَ
وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ

منابع :

تفسیر نور حجت الاسلام استاد قرائتی

تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی

تفسیر المیزان علامه طباطبائی

ترجمه به نظم امید مجد

و برداشت نویسنده و مؤلف